

# امروز و روزنامه

شماره بیست و هفتم  
مهرگان ۱۳۹۰

خاستگاه سردریان و ریشه‌های تمدن  
آنها

نویسنده: سورنا فیروزی

پیشن نام خدای مصری: «رج» یا پغشی  
دوم نام‌های «شوره» و «پشوره»

نویسنده: یزدان صفایی

تشی سدها در توسعه گردشگری

نویسنده: آرش نورآقایی

نیردهای شاپور اول شاهنشاه ساسانی  
با روم

برگردان: حسام الدین شافعیان

صاحب امتیاز: **تارنمای امروز**  
سرمدبیر: **پویا احمدی**  
صفحه آرایی: **پویا احمدی**

همکاران این شماره:

یزدان صفایی  
آش نیکویی  
سورنا فیروزی  
حسام الدین شافعیان  
آرشی نور آقایی



## خاستگاه سومریان و ریشه‌های تمدن آن‌ها

### نویسنده: سورنا فیروزی

در متون هندی کهن نیز به آن اشاره شده است. (۶) افزون بر آن، موقعیت بوم نگارانه توصیف شده برای این دولت (در جهت خاوری شهرهای شوش و انشان و در پس کوه‌های پیش رو = کوه‌های هوروم و مشو (۷) کاملاً با مختصات ایرانزمین برابری می‌کند. مسئله نزدیکی بسیار نام پارسیان کهن (ساکن در همان مختصات) با نام دولت یاد شده در نوشته هروودوت (آرتائی) (۸) نیز شوند دیگری بر مطمئن‌تر شدن ما پیرامون هویت ملی ساکنان دولت آرتا بشمار می‌آید. پیرامون تمدن آرتا در جای دیگر به صورت گسترده بحث خواهیم کرد؛ اکنون بازگردیم به میحث سومریان. در پس انمرکار، مرد بزرگ (لوگال = شاه) «بند» به حکومت رسید که نیز با آرتا ارتباط‌هایی داشت. (۹) در پس هنگامه «بند» است که گیلگمش در اوروک به قدرت می‌رسد. در داستان این پهلوان - فرمانروا است که سخن از مسافرت وی به سوی سرزمین‌های خاوری اوروک، رسیدن به رشته کوه‌هایی بلند (دامنه‌های غربی زاگرس در نواحی خاوری خوزستان)، گذر وی در پس چند ده روز از آن‌ها و رسیدن این فرمانروا به

کرانه‌های یک دریا (خلیج پارس) و در نهایت سفر دریایی وی به یک جزیره (که با توجه به مسافت کم آن، بایستی یکی از جزیره‌های نزدیک خاک ایران بوده باشد و نه بحرین) برای دیدن «زیوسودرا» (۱۰) از جمله رویدادهای مهم برای پژوهش ما می‌باشند. نکات برآمده از این رویدادها به ما نشان می‌دهند که سرزمین خوزستان، در آن مقطع بایستی به زیر یوغ اوروکی‌ها در آمده باشد؛ وگرنه فرمانروای یادشده نمی‌توانست چنین آسان از سرزمین خوزیان باستان (ایلامیان آریایی) گذر نماید. از دیگر سو، یافت شده نقشی از تمدن «اسپی دژ» در ایران که با نقش‌های بدست آمده از چهره گیلگمش نزدیکی دارد و قدمت آن نیز کهن‌تر می‌باشد، ما را به دو نتیجه گیری می‌کشد:

۱- این تصویری از گیلگمش یا الگوی داستان گیلگمش است و بنابراین، ماجرای اوروکی یک افسانه برخاسته از تمدن ایرانی است.  
۲- این تصویری از یک پهلوان زابلستانی است (یکی از بزرگان اسناد ایران به دوران پیشدادی - کیانی) و در نتیجه ماجرای مستقل از داستان غربی و میانرودانی بشمار می‌آید.

در نهایت دودمان یکم اوروک نیز بدست دودمان یکم شهر اور نابود می‌شود. «مش - انه - پد» نخستین بنیانگذار دودمانی است که شمار سالهای فرمانروایی‌اش طبیعی (۸۰ سال) می‌باشد. از او بعنوان نخستین یکپارچگر دولت - شهرهای سومری یاد شده است. (۱۱) در پس این دوران است که ایلامیان از ناحیه اوان (شمال خاوری شوش) به جنوب میانرودان یورش آوردند و ضمن آزاد ساختن خود، سومریان را نیز به بند در آوردند. «پلی» نخستین فرمانروای ایلامی ثبت شده در اسناد، این پیروزی بزرگ را بدست آورد. پس از رفت و برگشت‌های قدرت میان اکدی‌ها و ایلامیان، سرانجام دودمان دوم کیش بر سرکار می‌آید و با رانده شدن خوزیان باستان از جنوب میانرودان، سومر دگر بار مستقل می‌گردد. تشکیل نخستین دوره «لاگاش» بر پایه گل نبشته‌های دیگر (با وجود عدم ثبت در سیاهه)، غلبه کوتاه هنگام همازی‌ها (از دیگر دولت‌های موجود در فلات ایران و در دل دامنه‌های زاگرس) رد و بدل شدن حاکمیت‌ها همچنان ادامه پیدا می‌کند تا آنکه اکدی‌ها سامی جنوب میانرودان را تصرف می‌کنند، سپس اوروک استقلال را باز می‌گرداند، اما دگر بار گوتی‌ها بر سومر چیره می‌گردند. در نهایت استقلال دوباره بر می‌گردد تا آنکه با یورش دوباره ایلامی‌ها

سومریان؛ مردمانی به ظاهر بی‌وارث که روزگاری است بسیاری در صدد تصاحب و مصادره میراث آنان بر خاسته‌اند. در این نگاشته سعی ما بر این خواهد بود تا کنکاشی را پیرامون اصالت تباری و تاریخی سومریان انجام دهیم.

#### نام سومر:

در گل نبشته‌های سومری نام این سرزمین به صورت «کی - ان - گیر» ثبت شده است که معنای آن را «سرزمین (کی) خدایان (ان) روشنایی دانسته‌اند. (۱) هر چند که به گزارش‌هایی، این مردمان هویت ملی خود را با لفظ «اوگ - سگ - گپ - په» و به مفهوم «سیاه سران» یاد می‌نمودند. (۲) در راستای این عنوان، در نوشته‌ای سومری که ترجمه آن بسیار امروزی و مشکوک بنظر می‌آید، چنین آمده است که در مجاورت سرزمین نخستین سومری‌ها (پیش از اسکان در جنوب میانرودان)، مردمانی با چشمان آبی و موهای بور زندگی می‌کرده‌اند. از این رو نیاکان سومری‌ها جهت تمایز خود با آن‌ها، اصلاح سیاه سران را برای خویش بکار بردند. (۳)

#### نگاهی به تاریخ سومر:

از سومریان شماری گل نبشته بدست آمده است. مهم‌ترین آن‌ها، سیاهه فرمانروایان سومری است و گفتگوی فرمانروای اونوگ (شهر اوروک) با فرمانروای آرتا، دولتی در فلات ایران. در سیاهه بدست آمده، تاریخ سومر به دو دسته کلی پیش از توفان و پس از توفان بخش شده است. در بخش نخست ابتدا، شماری از فرمانروایان در شهر کیش به حکومت پرداختند، آنهم با سال‌های نجومی!

مشهورترین فرمانروایان این دروه، اتانا است که هم نام وی و هم ماجرای تلاش او برای پرواز در آسمان، بسیار به کاووس کیانی (کوی اوسن) نزدیکی دارد. افزون بر آن، شباهت نام «اتانا» و «اوسن» نیز بسیار قابل توجه است و با توجه به مقدمات زمانی کاووس بر اتانای سومری ما را باورمند به وامگیری سند میانرودانی از اسناد ایرانیان می‌نماید. (۴) همچنین اشاره به تصرف سرزمین ایلام توسط «ان - مه - برگ - سی» از آخرین فرمانروایان این دودمان، نکته‌ای است که نشان دهنده دیرینگی سرزمین و تمدن ایرانی یاد شده می‌باشد. زمانه‌ای که اندکی پیش از به قدرت رسیدن گیلگمش (پهلوان - فرمانروای به ظاهر تاریخی) بر شمرده شده است. (۵) کیش در نهایت توسط اوروکی‌ها تصرف می‌شود.

به دوران دودمان یکم از اوروکی‌ها، نام انمرکار فرمانروای معاصر تمدن آرتا به عنوان دومین حکمران دودمان، دیرینگی دیگر تمدن ایرانی را نشان می‌دهد. آرتا، دولتی که نامش بسیار نزدیک به واژه‌های آریایی راتا در اوستایی و آرتا در پارسی باستان هخامنشی است و

به اور و نیز آموری‌های سامی، سومر از هم می‌پاشد. آموری‌ها، بانی شهر و تمدن بابل می‌گردند. (۱۲)

### بررسی نکات تاریخی

#### ۱- سومر در تورات؟

سرزمین شنعار که بارها در تورات از آن نام برده شده است، از نظر توصیفات بوم نگارانه (جغرافیایی) با مختصات در نظر گرفته شده برای سومر (جنوب میانرودان) برابری می‌کند. (۱۳) آنچه با اصلاح مصری باستان برای می‌انروان و جنوب آن (سنگر) نزدیکی بسیار دارد. در کنار این داده، تورات اشاره می‌کند که نخستین حکمران شنعار، یک غیر سامی (از تبار حام) بوده است: (۱۴)

«و پسران حام: کوش و مصرایم و فوط و کنعان.... و کوش نمرود را آورد. او به جبار شدن در جهان شروع کرد. وی در حضور خداوند صیادی جبار بود. از این جهت می‌گویند: مثل نمرود، صیاد جبار و در حضور خداوند. و ابتدای مملکت وی، بابل بود و ازک و آکد و کَلَنَه در زمین شنعار. از آن زمین آشور بیرون رفت، و نینوا.... را بنا نهاد.... و مصرایم و لودیم و عنامیم و لهابیم و نفتوحیم را آورد.»

آنچه دیده می‌شود، توصیف پیروزی‌ها و کردارهای نینوس، فرمانروای ایرانی و بنیانگذار دودمان نینوسیان و سرزمین‌های زیر فرمان وی می‌باشد (۱۵) که به نام معادل عبری نام وی، نمرود گزارش شده



نگارش نادرستی از واژه کاش یا کاس (تیره آریایی بر آمده از فلات ایران) بوده باشد؛ چنانچه تلفظ نام کاسیان در زبان ایلامی، (کوسی) (۱۷) را نیز در این بررسی مد نظر قرار دهیم، ریشه اشتباه نویسنده توراتی آشکارتر می‌گردد. و بدین سان، بانی دودمان نینوسیان بسان اسناد دیگر در تورات نیز آریایی دانسته شده و از سوی دیگر، ساکنان شنعار (سومر) نیز به طور غیر مستقیم در ماجرای داستانی نمرود، آریایی گمان کرده می‌شود.

#### ۲- خاستگاه سومریان بنا به اظهار نظر اسناد سومری

بر پایه نوشته‌های دور سومری، نیاکان این مردمان، از یکی از دو نقطه زیر کوچ کرده‌اند:

- (الف) کشوری کوهستانی واقع در شمال خاوری سومر (فلات ایران)
- (ب) از راه دریا و از جایگهی به نام دیلمون (بحرین و یا موهندوجارو) با هم به طور مستقیم به سند ارائه شده از سوی یک مترجم ساکن در ترکیه پیرامون توضیحات بظاهر یک شاعر سومری به نام لودینگرا نگاهی می‌اندازیم: (۱۸)

است. گرچه بیرونی، میان نمرود و نینوس تفاوت قائل شده و آن‌ها را در دو جدول مختلف قرار داده است (۱۶) اما توصیف وقایع آن دو و بوم نگاری (جغرافیا) حاکمیت هر دو با یکدیگر کاملاً یکسان است. از دیگر سو، نمرود از تبار کوش حامی دانسته شده است. به عبارت دیگر وی کاملاً غیر سامی است. حال «کوش» را باید کنکاش نماییم. اگر این واژه برابر با واژه «کوش» پارسی در نظر بگیریم که برای حبشه بکار رفته است، دچار آشفتگی‌های تاریخی می‌گردیم. زیرا هرگز میانرودان به زیر یوغ سیاهان آفریقایی در نیامد. همچنین، گروه‌های حامی دیگر نام برد شده؛ مصرایم (مودرای) به پارسی هخامشی = مصر، فوط (پوت) به پارس هخامشی = پونت که سومالی و اریتره امروزی است و یا لیبی؟) و کنعان (نیاکان فنیقیان)، هیچ یک مردمان سیاه پوست نبوده‌اند که حال بتوان آن‌ها را از نظر نژادی یا زبانی در یک گروه با حبشه‌ای‌ها جای داد! از این رو گمان می‌رود که واژه «کوش» ثبت شده در دو کتاب پیدایش تورات و پادشاهان یکم،

«نیاکانم هزاران سال پیش به این کشور (سومر) مهاجرت کرده‌اند. نوشته‌ای در دست نیست که از کجا و چرا کوچ کرده‌اند، چون آن وقت‌ها خط و نوشتن نمی‌دانستند! با این وجود، زمزمه خوش داستان‌هایی که سینه به سینه و نسل به نسل نقل شده و تا به امروز رسیده است، همیشه ارزش و مقام خاصی در گوش و اذهان ما سومری‌ها داشته است. پس از اختراع و پیشرفت خطمان، نویسندگان و کتابدارهای کنجکاو و علاقه‌مند دربار، اینجا و آنجا، ضمن نوشتن مطالب دیگر به این هم اشاره کرده‌اند: به روایتی نیاکانم از کشوری کوهستانی واقع در شمال خاوری و به روایت دیگر، از راه دریا و از محلی به نام دیلمون آمده‌اند. ظاهراً علت کوچشان هم، شروع خشک سالی وحشتناک در کشور گرم و بارانیشان بوده که امکان تولید غلات و پرورش حیوانات را از آن‌ها گرفته و آن‌ها را هم از ترس مرگ و نابودی ناشی از فقر و گرسنگی، گروه گروه از کشورشان در جهان مختلف کوچ کرده‌اند. نیاکان من هم به سمت جنوب راه افتاده‌اند. ولی این سفر به این آسانی‌ها هم نبوده است. باید راه طولانی و کوه‌های سخت گذری را پشت سر می‌گذرانده‌اند. این کوچ با زن‌ها و بچه‌ها، چادرها و احشامشان سال‌ها طول کشیده است؛ در میان راه، گاه آب و غذا پیدا نمی‌کرده‌اند و گاه دچار انواع و اقسام بیماری‌ها می‌شده‌اند. عده‌ای تلف شده و بعضی هم توانسته‌اند از تمام این مشکلات جان سالم بدر ببرند. بالاخره با هزار درد و بدبختی به خاک‌های سرزمین امروزیمان رسیده‌اند.»

امروزه پژوهش‌های اقلیم‌شناسی نوین نشان داده‌اند که یک خشک سالی بزرگ در منطقه خاورمیان و فلات ایران در حدود ۳۲۰۰ پ. م رخ داده است. (۱۹) این زمان اندکی پیش از سر آغاز رسمی تاریخ دولت - شهرهای سومری از دیدگاه باستان‌شناسان و مورخان معاصر است.

در این میان پنداشت‌های در نظر گرفته شده برای خاستگاه سومریان، مورد بحرین که کاملاً مردود است. (به دلایل مسیر عبور کرده که هم در سند پیش‌تر به آن اشاره شد و هم در سند سپسین آورده می‌شود).

مورد موهندوجارو نیز پذیرش پذیر نیست، زیرا کشور نخستین، کوهستانی خوانده شده، حال آنکه چنین بوم نگاری توصیف شده، برای شهر مورد پنداشت در پهنه سند دیده نمی‌شود. بنابراین، و با توجه به خاوری خوانده شدن خاستگاه یاد شده، این سرزمین یا باید یکی از مناطق کوهستانی فلات مرکزی و شمالی ایران بوده باشد (نظیر دامنه‌های زاگرس و یا حتی البرز) و یا یکی از نقاط کوهستانی این فلات در منطقه قفقاز. بررسی ادامه اسناد، دایره کنکاش ما را تنگ‌تر می‌نماید: (۲۰)

«همان طور که پیش‌تر هم گفتیم، به نظر من، زمانی که مردم ما به این سرزمین‌ها (سومر) کوچ کرده‌اند، نخست وارد بهتری شده‌اند. در آنجا دولت یا پادشاهی‌ای برقرار کرده‌اند؛ در واقع بهترین حدس می‌تواند این باشد که یک انسی (سرکرده) یا لوگال بر سر کار آمده و شهر را اداره کرده است. هم زمان با آن‌ها، گروه دیگری آمده‌اند و ساکن شهر دیگری شده‌اند. به همین ترتیب، چندین دولت - شهر تشکیل شده و با این همه از یک ملت بوده‌اند، برای در دست گرفتن قدرت مطلق، به کشمکش و جنگ و جدال پرداخته‌اند. هر شهری که کمی قوی‌تر از شهر مجاور بوده سعی کرده دیگری را تابع خود

کند؛ گاهی این موفق شده و گاهی آن، گاهی هم هیچ کدام. یکی از این دولت - شهرها، دولت - شهر اَرت در شمال خاوری بوده (!!!) که مسافر برای رسیدن به آن می‌بایستی پشت سر گذاشتن هفت کوه بزرگ را به جان می‌خریده، ولی در زمان من (لودینگرا)، فقط نامی از آن در یادها و اسناد باقی مانده است. اگر نظر مرا بپرسید، مردم ما حین کوچ از دیارهای دور به سرزمین کنونیمان، سر راهشان این شهر را دیده‌اند، شاید هم مدتی ساکن آن بوده‌اند، یا این شهر هم زمانی، بدست مردم ما بنا شده است. چون اولاً، در آنجا مقدار زیادی سنگ‌های قیمتی و طلا و نقره یافت می‌شده. دوم اینکه آنجا از طرف خدابانوی عشق ما، اینانا عزیز محافظت می‌شده است. ولی در خاک کشور امروزی ما، طلا، نقره و سنگ‌های قیمتی وجود ندارد. تمام آن‌ها را از هما جا برای ما می‌فرستاده‌اند. نکته مهم دیگر اینکه، سنگ زاگین (لاجورد؟).... که نزد ما خیلی قیمتی است هم از آنجا می‌آمده است. قدیم‌ترها مهرها، چشم مجسمه‌ها و خیلی از وسایل و اشیای زینتی را یا از این سنگ می‌ساختند و یا از آن برای تزئین اسفاده می‌کردند. امروز، شاید به دلیل از بین رفتن این شهر است که دیگر از این سنگ هم خبری نیست. آنچه قبلاً آورده شده، در انبارهای معابد ذخیره شده....

می‌خواستیم داستان رقابت و کشمکش بر سر قدرت و چشم و هم چشمی میان فرمانروای شهر اوروک، انمرکار، پهلوان و فرماروایان اَرت را برایتان تعریف کنم. در هر حال، هر دو طرف گاهی شفاهی و گاهی هم کتبی برای هم پیغام می‌فرستاده‌اند که من از تو سرترم..... فرمانروای اَرت... مجبور می‌شده برای کشور و معابدمان، سنگ‌های قیمتی و طلا و نقره بفرستد. انمرکار هم در مقابل برای آن‌ها غلات می‌فرستاده است، چون اَرت در منطقه‌ای کوهستانی قرار داشته (؟؟؟) و غلات در آن به عمل نمی‌آمده است (!!!).... یک بار وقتی مارتوهای خارجی به اوروک حمله کرده بودند، انمرکار، لوگال بنده پهلوان را داوطلبانه برای درخواست کمک به اَرت فرستاده است. در این سفر بلایی نبوده که بر سر لوگال بنده نیامده باشد. تمام این ماجراها امروز بدل به افسانه شده‌اند.»

شوربختانه مترجم زاییده شده در سرزمین آناتولی، رعایت امانت پژوهشگری را ننموده و با دست بردن در ترجمان گل نبشته‌ها، آشفتگی کودکانه‌ای را پدید آورده است. ترجمه‌های این شخص، متنی کاملاً ساختگی و با ادبیات و اصلاحات و دیدگاه‌های سیاسی و جهان‌شناختی امروزین را در ذهن نگارنده سومری باستانی نمایش می‌دهد! تعریف دولت - شهر، کوهستانی خوانده شدن اَرت که در متن اصلی سومری انمرکار و فرمانروای اَرت، این شهر در پس کوه‌ها قرار داشته و نه در میان آن‌ها) و جای داشتن این دولت ایرانی در شمال خاوری سومر (که متن یاد شده سومری، آن را در سوی خاور و در پشت شوش و انشان و کوه‌های زاگرس شناسانده) از بارزترین این دست برده‌های ایدئولوژی بشمار می‌آیند.

اما با این حال، هنوز هم می‌توان، از لابلای این تارچ، آگاهی‌های مفید تاریخی اصلی را کنکاش نمود. در سند یاد شده، در مسیر مهاجرت، شهر اَرت قرار دارد. این یعنی خاوری‌تر بودن خاستگاه بنیادین و نخستین نیاکان سومری‌ها نسبت به منطقه‌های پارس و کرمان (مکان‌های احتمالی اَرت). از این رو و با توجه به این نکته که در سند مسیر حرکت نخستین کوچ گران، سوی جنوب دانسته شده، سرزمین مورد نظر، می‌بایست در حد فاصل زابلستان و خراسان

(سرزمین‌های کوهستانی موجود و ممکن) بوده باشد.

اکنون بایستی نیم نگاهی به دانش انسان‌شناسی و تبارشناسی بیاندازیم تا با ملاحظه در منطقه خاستگاه نخستین، دسته نژادی سومری‌ها روشن گردد. به طور کلی، انسان اندیشمند نوین که سیاه پوست بوده است، در حدود ۹۰ هزار تا ۱۰۰ هزار سال پیش از آفریقا خارج شد و در دو جهت عربستان و فلات ایران حرکت نمود. یک دسته سپس هانژاد سفید سامی را تشکیل دادند و در هزاره سوم بسوی میانرودان و کنعان حرکت کردند. اما دسته دیگر خود به چند گروه تبدیل گشتند. یک گروه به حرکت خود به سمت خاور ادامه دادند و با عبور از کرانه‌های دریای مکران (عمان کنونی)، دره سند، شمال هندوستان، جنوب خاوری آسیا و نیز اقیانوسیه، رفته رفته نژادهای سیاه درآویدی، سیاه شرقی و نژاد زرد جنوبی را پدید آوردند. بازماندگان نیز خود به دو دسته تقسیم شدند. گروهی که همچنان سیاه پوست بودند و به سوی غرب حرکت نمودند و سپس‌ها، نژاد سپید مدیترانه‌ای را پدید آوردند و دسته‌ای که در فلات باقی مانده و آرام آرام به سمت آسیای میانه و فرا رود حرکت کرده و نژاد سفید (۲۱) مشهور آریایی را پدید آوردند. این مردمان در پس آخرین یخبندان زمین (حدود ۸۰۰۰ پ. م) دگر بار به فلات ایران بازگشتند.

با توجه به موارد یادشده در بالا و نیز جایگاه سرزمین نخستین سومری‌ها، این احتمال پیش می‌آید که آن‌ها می‌توانست‌اند آریایی تبار بوده باشند. بویژه آنکه مطابق سند سومری پیشین، نیاکان مورد بحث مردمانی دامپرور بر شمرده شده‌اند که از ویژگی‌های خاص آریایی‌ها بوده است.

باز گردیم به ادامه تحلیل سندهای سومری ارائه شده. اگر مطابق شواهد کنونی نژادشناسی و باستان‌شناختی و نیز برپایه گزارش‌های اسناد مختلف، بتوانیم بپذیریم که ارت یک تمدن آریایی و ایرانی و برآمده بدست نیاکان پارسیان بوده باشد، سومریان با هم تباران خود در ارتباط و گفتگو بوده‌اند. حال مردمانی با هویت مارتو یا مرتو به اوروک یورش آورده‌اند. مردمانی که جریان‌های کج اندیش، سعی بر آن کرده‌اند که آنان را بدویان سامی جلوه دهند (۲۲)، اما گزارش هرودوت پیرامون وجود دسته‌ای از پارسیان با عنوان ماردها یا مردها (۲۳) که بسیار به نام تاریخی یاد شده نزدیک و در کل، تنها سند نزدیک و موجود پیرامون حضور مردمانی با این نام بشمار می‌آید، نگرشی دیگر را برای ما تداعی می‌نماید. نگرشی که در آن گروهی از پارسیان ایرانی، به اوروکی‌ها یورش برده‌اند و فرمانروای اوروک، از شماری پارسی دیگر در پشت سرزمین ماردها (واقع در پارس) درخواست کمک (برای منگنه کردن دشمن از دو سو) نموده است. در هر حال سند گویای آن است که سومریان اوروکی، شهری گر و دساوردهای هنری خود را ژرفین، وامدار مردمان ارت می‌بوده‌اند. اگر ارت وجود نداشت، هنر و تمدن سومری نیز پدیدار نمی‌شد.

۳- برداشت‌های سومرشناس نامدار، ساموئل کریمر  
ساموئل کریمر، از برجسته‌ترین سورشناسان در کتاب نامدار خود، الواح سومری، پیرامون خاستگاه تمدن سومریان و بانیان آن چنین می‌نویسد: (۲۴)

«اکنون یکی از مسائل تاریخی را که ده‌ها سال است ذهن باستان‌شناسان و دانشمندان تمدن خاور نزدیک را به خود مشغول داشته‌ است آن را مسئله سومر نامیده‌اند مورد بحث و مطالعه قرار

می‌دهیم. این مسئله درباره آمدن قوم سومری به سرزمین میانرودان است. آیا سومریان نخستین قومی بودند که در جنوب میانرودان سکنا گزیدند یا پیش از آن‌ها اقوام دیگری هم بوده‌اند؟ در ظاهر هیچ گونه اراتاطی میان این پرسش و دوره قهرمانی سومر دیده نمی‌شود. ولی در واقع کشف عصر قهرمانی سومریان در حل مسئله سومر می‌تواند بسیار مؤثر و مفید قرار گیرد. کشف این دوره ما را در کشف کهن‌ترین اعصار تاریخی یاری می‌دهد، ولی لازم است قبلاً مسئله سومر را، که موجب دو دستگی باستان‌شناسان گشته است، شرح دهیم. بر اثر کاوش‌هایی که در ده‌ها سال گذشته در لایه‌های پیش از تاریخ چند نقطه به عمل آمد، دانشمندان به استناد مقیاس‌های شایسته‌ای در باستان‌شناسی، کهن‌ترین تمدن میانرودان را به دو دوره منقسم کردند: یکی دوره عبید، که آثار بازمانده آن را بر روی خاک‌های دست نخورده در دل زمین یافتند، دوم، دوره اوروک، که آثار آن را مستقیماً بر روی لایه عبید کشف کردند. دوره اوروک نیز، به نوبه خود، به دو مرحله تقسیم شده است: مرحله کهن‌تر اوروک و مرحله‌ای که پس از آن می‌آید. آنچه در اصطلاح مهرهای استوانه‌ای نامیده شده، و همچنین نخستین الواح مدون تاریخ که بدست ما رسیده، همه مربوط به مرحله دوم روک هستند. از آنجا که لغت الواج بنا بر مدارک موجود، با همه علامت‌های تصویر ماندش، سومری است، از این رو اکثر باستان‌شناسان بر آن‌اند که سومریان در نیمه دوم مرحله اوروک در جنوب میانرودان ساکن بوده‌اند. اختلاف نظر باستان‌شناسان بیشتر در مرحله اول اوروک و دوره عبید است. گروهی از باستان‌شناسان پس از تجزیه و تحلیلی آثار... این دو دوره کهن، به این نتیجه رسیدند که با همه فرق‌های ظاهری میان آثار مرحله اول اوروک و مراحل بعدی، می‌توان آثار مرحله اول را نمونه‌های آثار بعدی دانست. و چون آثار مراحل بعدی را همه دانشمندان به عنوان آثار سومری پذیرفته‌اند، لذا آثار مرله اول دوره اوروک و پیش از آن نیز باید جزو آثار سومری پنداشت. با همین استدلال، این گروه... معتقدند نخستین قومی که در سرزمین میانرودان مستقر شد، قوم سومری بود. دسته‌ای دیگر از باستان‌شناسان پس از بررسی و تجزیه و تحلیل همان آثار به نتیجه خلاف آن رسیدند. اینان می‌گویند اینک آثار دوره متاخر، که بی‌شک سومری‌اند، از پاره‌ای جهات به آثار دوره‌های پیشین شباهت دارند، با وجود این اختلاف آثار دو دوره به اندازه‌ای است که ثابت م یکنند که مردمان آن‌ها از یکدیگر متمایزند. به عبارت دیگر، در ادوار پیش از مرحله دوم اوروک، مردمی غیر از سومریان در میانرودان ساکن و بودند، یا تمدن دیگری جز تمدن آنان در آنجا مستقر بود. پس باید گفت سومریان نخستین قوم ساکن میانرودان نیستند.»

با این دلایل روشن، کریمر ماهیت این ساکنان نخستین را چنین بیان می‌کند: (۲۵)

«تمدن سومریان نقش برجسته‌ای در زندگی مردم خاور باستانی داشت... اما این تمدن محصول پنج شش قرن فعالیت مداوم است که پس از عصر قهرمانی ابتدایی سومر آغاز شد و بی‌شک نبوغ آفریننده سومریان در بهره برداری از میراث مادی و روحی تمدن ساکنان پیشین جنوب میانرودان، اثری بسزا در پیشرفت آن داشته است... تاریخ جنوب میانرودان را، از آغاز تا عهد پادشاه بزرگ اکدی، سارگن، که به سلطه سیاسی سومریان پایان داد، می‌توان به دو دوره اصلی تقسیم کرد: دوره پیش از سومریان (که می‌توان آن را دوره سامی - ایرانی (پارسی) نامید)، و دوره سومریان. دوره پیش از سومریان با زراعت در روزتاها آغاز شد. نظر رایج کنونی‌ای ناست که تمدن مزبور

را مهاجرانی از جنوب غربی ایران همراه خود به جنوب میانرودان آوردند. از خصوصیات این مهاجران استفاده از ظروف سفالی رنگی بود. کمی پس از استقرار مهاجران ایرانی، سامیان اندک اندک، گاه به عنوان مهاجران صلحجو و گاه به صورت فاتحان جنگجو، در جنوب [میانرودان] رخنه کردند. بر اثر آمیزش این دونژاد - ایرانیان ا مشرق و سامیان از مغرب - نخستین کشور متمدن جهان در جنوب [میانرودان] به وجود آمد. این کشور - مانند کشور سومر که بعدها تاسیس گشت - از دولت شهرهای کوچکی تشکیل می‌شد که برای کسب برتری همواره با هم در نبرد بودند. اما بی‌شک گهگاه وحدت و ثبات سیاسی سراسر سرزمین جنوبی میانرودان، هر چند برای مدت کوتاهی، تحقق یافته است... بدون تردید قسمتی از سرزمین‌هایی که این امپراتوری - چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ فرهنگی - در آن نفوذ کرد، نواحی غربی فلات بود و از جمله‌ای که بعدها کشور ایلام نام گرفت. نخستین برخورد سومریان با امپراتوری میانرودان، در رگیر و دار این کشمکش‌های سیاسی و نظامی صورت گرفت. سومریان بدوی، یا شاید چادر نشین، از آن سوی قفقاز و دریای [کاسپین] به سمت نواحی غربی ایران سرازیر شدند و آن را تحت فشار قرار دادند. دفاع از این نواحی کمال ضرورت را داشت، چه این ناحیه سپر امپراتوری میانرودان در برابر مهاجمان وحشی بود.

شک نیست که در نخستین تصادم، مهاجمان یارای ایستادگی در برابر لشگریان آزموده امپراتوری میانرودان را نداشتند، ولی سرانجام سومریان ابتدایی و حادثه جو دشمنان متمدن و شهر نشین خود را از پای در آوردند. با گذشت زمان، جنگجویان سومری، که به صورت گروگان و اسیر در سپاه امپراتوری خدمت می‌کردند، فنون جنگ را از اسیرکنندگان خود فرا گرفتند، و بر اثر ضعف امپراتوری میانرودان، سومریان کشور حائل غرب ایران را تصرف کردند، به جنوب میانرودان حمله آوردند و بر آن چیره شدند.

خلاصه آنکه دوره پیش از سومریان به صورت تمدن کشاورزی روستایی که ایرانیان از مشرق آورده بودند، آغاز شد. و در مرحله دوم این دوره سامیان به عنوان مهاجر و فاتح در دستگاه امپراتوری رخنه کردند... سرانجام بدست سومریان سرتگون شد. اکنون از دوره پیش از سومر یا دوره ایرانی - سامی، که قدیم‌ترین ادوار تاریخی میانرودان است، به دوره سومریان می‌رسیم. این دوره از سه مرحله فرهنگی تشکیل می‌شد، یکم، مرحله پیش از اختراع؛ دوم، مرحله پیدایش خط؛ و سوم، مرحله خط باستانی. در نخستین مرحله، اجتماع سومر بر اثر انهدام مدنیت قوم پیشرفته ایرانی - سامی بدست مهاجمان وحشی، حالتی از رکود و انحطاط داشت. در خلال این مرحله، که چند قرن طول کشید، دوره قهرمانی سومر رشد کرد. سرداران وحشی و ناآرام سومری، که به چپاول خوی گرفته بودند، زمام امور شهرهای غارت شده و روستاهای سخته امپراتوری پیشین را در دست داشتند. فاتحان سومری، خود در وطن جدید ایمن نبودند، چون اندکی پس از استقرار در آن سرزمین، گروه‌های دیگری از مردم صحرا نشین، از صحرای غربی به جنوب [میانرودان] روی آوردند... تنها پیشرفتی که در این دوران نصیب سومریان گشت در فن حماسه سرایی بود. شعرای درباری و خنیاگران در مدح دلاوری‌های پادشاهان سومری داد سخن می‌دادند. در دومین مرحله از تاریخ سومر، یومریان در سرزمین جدید کاملاً مستقر شده بودند. ظاهراً در همین مرحله از تمدن سومر است که کلمه سومر بر سرزمین جنوبی میانرودان اطلاق شد... بر اثر آمیزش ثمر بخش فرهنگی و نژادی سومریان با مردم

مغلوب اما پیشرفته آن سرزمین (ایرانیان و شماری سامیان)، سومریان به آفرینش آثاری پرداختند که برای سومر و آسیای غربی اهمیت فراوان داشت. فن معماری پیشرفت شایانی کرد. محتملاً اختراع خط (می‌خی) نیز در همین مرحله صورت گرفت... پیروزی‌های درخشان سومریان در زمینه‌های فکری و معنوی، سطح شناخت مردم خاور نزدیک را در آن دوران، به طرز بی‌سابقه‌ای بالا برد (باید به خاطر داشت که موفقیت‌های بزرگ سومریان ثمره فعالیت و کوشش دستکم سه گروه نژادی بود: پارسیان (ایرانیان در نزد کریمر) باستان، سامیان، سومریان (مهاجمان سپسین).

در سومین مرحله تاریخ تمدن سومر... برخی از فرمانروایان توانستند... قلمرو کشور خود را در سمت جنوب گسترش دهند و دومین امپراتوری خاور نزدیک را پدید آوردند. این امپراتوری کاملاً رنگ سومری داشت.»

و در پس آن کریمر از استیلای سامیان اکدی بر سومر و سپس روی کار آمدن دوباره دوران نو سومری و در نهایت یورش اموری‌های سامی و تشکیل حکومت بابل بحث می‌کند. او با محاسبه زمان تشکیل حکومت شاروکین اکدی (سارگن یکم) که آن را در حدود ۲۳۰۰ پ. م می‌شناساند، دوره‌های سه گانه تاریخ سومر را زمان دهی می‌کند (دوره سوم از ۲۷۰۰-۲۳۰۰ پ. م، مرحله دوم از ۲۹۰۰-۲۷۰۰ پ. م، دوره یکم با عصر قهرمانی سومری در سده یکم هزاره سوم پ. م) و در نهایت، هنگامه درونش سومریان به جنوب میانرودان را در «یک چهارم پایانی هزاره چهارم پیش از میلاد» عنوان می‌کند. سپس زمانه حاکمیت تمدن نخستین (ایرانیان بنیانگذار و سامیان مهاجم) را با طول مدت پنج تا شش سده، پیرامون سال‌های ۳۶۰۰ تا ۳۱۰۰ پ. م تعیین می‌نماید و در نهایت، هنگامه درونش ساکنان نخستین جنوب میانرودان (ایرانیان) به آنجا را «یک چهارم نخستین هزاره چهارم پیش از میلاد» (۴۰۰۰ - ۳۷۵۰ پ. م) بر می‌شمارد. (۲۶)

امروزه درستی تاکید کریمر پیرامون اختلاف فراوان آثار مادی دوره منسوب به «عبید» با دوره‌های سپسین تاریخ جنوب میانرودان آشکارتر شده است. حتی دیرینگی این دوران تا زمانه ۵۳۰۰ پ. م نیز به عقب رفته و در نتیجه، زمانه درونش مهاجران نخستین نیز کهن‌تر شده است. (۲۷)

به طور کلی آنچه را که کریمر بیان نموده است، با اسناد نوشتاری سومری و نیز ایرانی هماهنگی دارد. در اسناد ایرانیان، بارها اشاره شده است که برخی فرمانروایان پیشدادی و کیانی پیش از زرتشت سپهتمان (زایش به سال ۶۱۸۳ پ. م)، بر میانرودان و سرزمین‌های فراتر از آن به سوی غرب، چیرگی داشته‌اند. (۲۸)

بنابراین از مشاهده آثار سفالی، اجتماعی و معماری و فلسفی ایرانی (مردمان فلات ایران) در هزاره مربوط به تمدن پیش از دوره نخستین سومری شگفت زده نخواهیم شد. این مورد یکی دیگر از استندهای راسخ پیرامون درستی و همخوانی اسناد مربوط به دوران تاریخ کهن ایران (پیشدادی - کیانی) با یافته‌های باستان‌شناختی و همچنین اسناد تاریخی میانرودانی به شمار می‌آید.

از سوی دیگر، هم به نقل از پژوهش‌های کریمر و هم بر پایه شباهت‌های آثار تمدن‌های تا کنون کنکاش شده از فلات ایران (شهر سوخته، اسپی دژ و جیرفت) مسیر ترابری اندیشه‌ها و شگردهای شهری‌گری ایرانی به سوی میانرودان دریافت شده است. مسیری که به اعتراف سومرشناس بزرگ یادشده، ایرانیان بنیانگذار تمدن الگوی

Jovanovich, p۲۸

- ۳- لودینگرای سومری، همان.
- ۴- زمانه اتانای سومری را در میان سال‌های ۲۹۰۰ تا ۲۶۰۰ پ. م در نظر گرفته‌اند. این در حالی است که هنگامه کاووس، پیش از زمانه زندگانی زرتشت (زایش به سال ۶۱۸۳ پ. م) بوده است. توضیحات دقیق‌تر و کامل‌تر در جایی دیگر آورده می‌شود.
- ۵- سیاهه فرمانروایان سومری
- ۶- در نوشته‌های مه‌بهارات، به جایگاهی با عنوان آرت Aaratta و یا ارات Araatta اشاره شده است که می‌تواند همان دولت ایران پارسیان آرت پنداشت گردد. بنگرید به
- Michael Witzel. Aryan and non-Aryan Names in The Vedic India. p. ۸. ۱۹۹۹. Evidence from Old Indian and Iranian Texts. EJVS ۲۰۰۱. pp. ۱۸-۱۹.
- ۷- گیلگمش، ترجمه داوود منشی‌زاده، رویه ۶۶، الواح سومری سامول کریمر، ترجمه داوود رسائی، انتشارات علمی و فرهنگی، رویه ۱۸۴.
- ۸- تاریخ هرودوت، کتاب هفتم، ترجمه وحید مازندرانی، بند ۶۱.
- ۹- لودینگرای سومری، همان، رویه ۱۰۱، الواح سومری، همان، رویه‌های ۱۸۳-۱۸۵.
- ۱۰- گیلگمش، ترجمه داوود منشی‌زاده، رویه ۷۹.
- ۱۱- لودینگرای سومری، همان، رویه ۱۰۲.
- ۱۲- Stephanie Dalley. Babylon as a Name for other Cities Including Nineveh. in Uchicago. edu ۵1st Rencontre Assyriologique Proceedings of the Internationale. Oriental Institute SAOC pp. ۶۲. ۲۰۰۵. ۲۵-۳۳.
- ۱۳- پیدایش، ۱۰: ۶-۱۳
- پادشاهان، ۱: ۸-۱۱.
- ۱۴- همان.
- ۱۵- برای آگاهی از دودمان نینوسیان (آسوایی‌ها) در حال حاضر بنگرید به مقاله‌های سه گانه نگارنده: «دیرنیگی تمدن ایرانی، فراتر از دیا اوکو، امرداد، شماره ۲۲۷»، «سنگ برجسته سر پل ذهاب، تأییدی بر موجودیت سردومان آسوایی‌ها، همان، شماره ۲۵۱» و «اشاره به دودمان گمشده ایرانی در سندهای هیتیایی‌ها و سریانیان، همان، ۲۵۳».
- ۱۶- آثار الباقیه، بیرونی، ترجمه اکبر دانا سرشت، رویه‌های ۱۲۶ و ۱۲۸.
- ۱۷- هنر ایران، پروفیسور اندره گدار، ترجمه دکتر بهروز حبیبی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷. رویه ۹.
- ۱۸- لودینگرای سومری، همان، رویه‌های ۳۵-۳۶.
- ۱۹- Science. Jan. What Drives Societal Collapse. By Harvey Weiss and Raymond S. Bradley ۲۰۰۱. ۲۶
- Climate and agriculture in the ancient Near East: a synthesis of the archaeobotanical and stable carbon isotope evidence. Vegetation History and Archaeobotany. Institut für Ur- und Frühgeschichte. Ältere Abteilung. Labor für Archäobotanik. Tübingen University.

سومریان محسوب می‌شدند. اما نکته قابل اندیشه، این است که سامیان چسبانده شده به ایرانیان بنیانگذار در دوره پیش سومری، تنها یک مهاجم بوده‌اند و نه بانی اندیشه و تمدن. چنانکه شخص کریمر نیز به آن اذعان کرده است. از این رو و بر پایه یافته‌های باستان‌شناختی و با استناد به متون نوشتاری تاریخی، ایرانیان بنیانگذاران تمدن میانرودانی بوده‌اند، تمدنی که با نام «فرمانروایی ایرانی جنوب میانرودان» شناخته می‌گردد (همان دوره عبید امروزی).

از دیگر سو، سومریان نیز مهاجرانی از جانب سرزمین‌های ایرانی می‌باشند، آنچه بارها در اسناد نوشتاری این مردمان ثبت شده است. بنابراین، آنان نیز می‌توانسته‌اند آریایی و ایرانی به شمار آیند. مشابهت‌های زبانی و واژه‌های نیز میان زبان قدیم ایرانیان (اوستایی و پیش اوستایی) و سومری‌ها - با وجود کنکاش‌های اندک- دیده می‌شود؛ چون نزدیکی واژه گو در زبان سومری به گئو در اوستایی که هر دو به معنای گاو می‌باشند. و نیز همسانی‌های نمادهای مذهبی چون رواج نشان چلیپا نزد سومریان که از نشان‌های بارز آیین کهن ایرانیان و مهر پرستی به شمار می‌آمده است. هر چند که نقاشی‌های بجای مانده از سومری‌ها به علت نزدیکی به سبک نقاشی‌های دو رنگ یونانی، چندان برای شناسش تباری آنان بهره ندارد، اما در هر حال در آن‌ها مشابهت‌هایی با یافته‌های فلات ایران چون، یادمان‌های بدست آمده از جیرفت دیده می‌شود. و یا سنت زیگورات سازی (که فرزانش آن را در جایی دیگر بحث خواهیم کرد) که از فلات ایران به میانرودان رفته است. همچنین این مردمان تنها مردمان میانرودانی بشمار می‌آیند که همپا و بسان مردمان آریایی (هند و ایرانی - اروپایی) هند، ایران، یونان و تیره‌های آریایی ساکن در اروپا، دارای حماسه‌های پهلوانی بوده‌اند (چون مورد گیلگمش و یا لوگال بنده) که ما را به آریایی بودن تبار این مردمان و یا دستکم، فرهنگ آنان خوش بین‌تر می‌نماید. در صورتی که چنین موردی در هیچ یک از مردمان دیگر میانرودانی (آگاده‌ای‌ها، بابلیان و آشوریان) دیده نمی‌شود. مسئله وجود چنین میراثی در میان عبریان کنعانی (داستان سامسون) نیز بسان دیگر موضوعات اندیشه‌ای و فرزانشی و با توجه به نبودن هیچ ریشه تاریخی پدید بستر ساز، یک وام‌گیری صرف نمی‌توانسته باشد.

در یک نگاه، سومریان از سرزمین‌های ایرانی نشین و از مرزهای آریاییان برخاسته‌اند، الگوهای نخستین تمدن آنان از فلات ایران وام گرفته شده و از این رو گمان آن می‌رود این مردمان و یا دستکم، پیشینیان تمدن آنان، به دلایل فراوان یاد شده در بالا، ایرانی و آریایی بوده‌اند؛ موردی که وارونه ادعاهای بی‌منطق و بی‌استناد قوم‌گرایان پیرامون اینکهن مردمان، سر نخ‌های کنکاش را دارا می‌باشد. در هر حال داور نهایی، آزمایش‌های ژنتیکی خواهند بود.

#### پی نوشت‌ها:

- ۱- William Stiebing (۱۹۹۴): Ancient Near Eastern History and Culture. Postgate Early (۱۹۹۴) John Nicholas Postgate Mesopotamia: Society and Economy at the Dawn of (History. Routledge (UK).
- ۲- لودینگرای سومری، معزز علمیه چیع، ترجمه سوزان حبیبی، نشر کاروان، رویه ۳۷. W. Hallo, W. Simpson (۱۹۷۱): The Ancient Near East. New York: Harcourt. Brace.

- ۱۵۵۶۲۳۱۷ .  
Kate Ravilious. Aborigines, Europeans Share African Roots. DNA Suggests. National Geographic .۲۰۰۷. ۷ News. May Archaic .(۲۰۰۶ Wall JD, Hammer MF (Dec admixture in the human genome. Curr Opin Genet .۰۰۶ .۰۹ .۲۰۰۶ .j. gde/۱۰۱۶ .۱۰ :doi .۱۰-۶۰۶ : (۶) ۱۶ .Dev .۱۷۰۲۷۲۵۲ PMID .(۲۰۰۵ Hardy J, Pittman A, Myers A, et al. (Aug Evidence suggesting that Homo neanderthalensis MAPT haplotype to Homo contributed the H۲ .۱۰ .doi .۵-۵۸۲ : (۴ Pt) ۳۳ .sapiens. Biochem Soc Trans .۱۶۰۴۲۵۴۹ PMID .BST۰۳۳۰۵۸۲/۱۰۴۲ /۰۵۸۲/۰۳۳/http://www.biochemsoctrans.org/bst.html .bst۰۳۳۰۵۸۲ .(۲۰۰۱) Schwartz, Jeffrey H. ; Tattersall, Ian Extinct humans. Boulder, Colo: Westview Press. pp .۹-۲۰۷ .  
E. Chiera. Sumerian Epics and Myths. -۲۲ .۱۱۲ and ۵۸ .Nos .۱۹۳۴ .Chicago  
E. Chiera. Sumerian Texts of Varied Contents. .۳ .No .۱۹۳۴ .Chicago  
William H. Stiebing Jr. Ancient Near Eastern .۷۹ :۲۰۰۳ .History And Culture Longman: New York .۲۳-تاریخ، کتاب یکم، بند ۱۲۵ .  
۲۴-الواح سومری، همان، رویه‌های ۱۸۵-۱۸۶ .  
۲۵-همان، رویه‌های ۱۸۷-۱۹۰ .  
۲۶-همان، رویه‌های ۱۹۰-۱۹۱ .  
Elizabeth Lutzeier) (۱۹۹۰) .Nissen, Hans J -۲۷ translator): The Early History of the Ancient Near .(B. C. (University Of Chicago Press ۲۰۰۰-۹۰۰۰ .East The Neolithic of the Near : (۱۹۷۵) Mellaart, James .(East. (Thames and Hudson  
The Origins of Human : (۱۹۹۰) Bogucki, Peter (Society. (Blackwell History of the World  
۲۸-بنگرید به اسناد مربوط به دوران فرمانروایی‌های قباد تا کی خسرو به زمانه کیانیان و فریدون تا گرشاسپ در هنگامه پیشدادیان
- ۲۹ .Tübingen, Germany ۷۲۰۷۰ .۲۳ Rümelinstrasse ۲۰۰۸ February  
Ohio State University. Major Climate Change Years Ago: Evidence Suggests That ۲۰۰ .۵ Occurred .۲۰۰۴ .۱۶ History Could Repeat Itself. December .۱۰۱-۱۰۰ .  
۲۰-لودینگرای سومری، همان، رویه‌های ۱۰۰-۱۰۱ .  
۲۱-مبدأ نژادها، میخائیل نستورخ، ترجمه فرامرز نعیم، هوشنگ مشکین‌پور، نشر اندیشه، ۱۹۷۹ .  
Rixiang Zhu, Zhisheng An, Richard .(۲۰۰۳ Pott, Kenneth A. Hoffman (June Magnetostratigraphic dating of early humans : (۴-۳) ۶۱ in China (PDF). Earth Science Reviews .۳۶۱-۱۹۱  
New evidence on the earliest .(۲۰۰۴) .R. Zhu et al human presence at high northern latitudes in northeast Asia  
Earliest Presence of Humans in Northeast Asia. Human Origins Program. Smithsonian Institution. http://www.mnh.si.edu/anthro/humanorigins/ -۲۰۰۷ htm. Retrieved .۳-wh۲۰۰۱/۲۰۰۱/whatshot Fossil find is» .(۲۶-۰۳-۲۰۰۸) Hopkin M .۰۴-۰۸ .۱۰ :oldest European yet». Nature News. doi http://www.nature.com/ .۶۹۱ .۲۰۰۸ .news/۱۰۳۸ .html .۶۹۱ .۲۰۰۸ .full/news/۰۸۰۳۲۶/۲۰۰۸/news Seafaring in the Pleistocene. .(۲۰۰۳) Bednarik RG .۶۶-۴۱ : (۱) ۱۳ Cambridge Archaeological Journal ScienceNews .S۰۹۵۹۷۷۴۳۰۳۰۰۰۳۹/۱۰۱۷ .۱۰ :doi .summary  
BBC World News Africa «s genetic secrets the results were published in ;۲۰۰۹ May ۱ .unlocked .the online edition of the journal Science Maca-Meyer N, González AM, Larruga JM, Major genomic .(۲۰۰۱) Flores C, Cabrera VM mitochondrial lineages delineate early human -۱۴۷۱/۱۱۸۶ .۱۰ :doi .۱۳ :۲ .expansions. BMC Genet http:// .۵۵۳۴۳ PMC .۱۱۵۵۳۳۱۹ PMID .۱۳-۲-۲۱۵۶ .۱۳/۲/۲۱۵۶-۱۴۷۱/www.biomedcentral.com http://www.fieldmuseum.org/research\_collections/zoology/zoo\_sites/seamaps/mapindex.html Pleistocene Sea Level Maps Hudjashov G, Kivisild T, Underhill PA, et al. Revealing the prehistoric settlement of .(۲۰۰۷ (May Australia by Y chromosome and mtDNA analysis. .۱۰ :doi .۳۰-۸۷۲۶ : (۲۱) ۱۰۴ .Proc Natl Acad Sci USA .۱۷۴۹۶۱۳۷ PMID .۰۷۰۲۹۲۸۱۰۴ .pnas/۱۰۷۳ Modern .(۲۰۰۴ Currat M, Excoffier L (Dec humans did not admix with Neanderthals during : (۱۲) ۲ .their range expansion into Europe. PLoS Biol PMID .۰۰۲۰۴۲۱ .journal. pbio/۱۳۷۱ .۱۰ :doi .۴۲۱)

خورشید» است، شهر خدای را Ra بوده است. (هرودوت، کتاب دوم، بند ۳، زیرنویس از مترجم)  
تا اینجا مشخص شد که رع خدایی باستانی در مصر بوده به معنی روشنایی که به عنوان خدای خورشید پرستیده می‌شده است و بعدها جای خود را به خود خورشید [=آتون] داده است.

### میتره

میتره (در اوستایی «میتْر» و در پهلوی «میتَر» یا «میهر») در اوستای نو ایزد فروغ و روشنایی و پیمان‌شناسی و یکی از بزرگ‌ترین ایزدان و مینویان در اساطیر کهن هند و ایرانی است که در بخش‌های پسین اوستا دگرباره اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. (دوستخواه، ۱۳۸۹: ۱۰۵۷). میتَر نیز خدای روشنی آسمانی است (دوستخواه، وندیداد، فرگرد ۲۲، بخش یکم، زیرنویس، ص ۸۸۵)  
درباره‌ی نام این ایزد، نگارنده بر این باور است که از دو جزء ساخته شده:

بخش اول: «میث» که به معنی اسطوره و افسانه است و در زبان‌های هم‌ریشه با فارسی مانند انگلیسی (Myth) در آلمانی (Mythos)، فرانسوی (mythe) یونانی (μύθος) سوئدی (myt) به همین معنی به کار می‌رود. (مترجم گوگل)

بخش دوم این نام: «زَه» یا «را» است که به معنی روز و روشنایی است که با «روز» در فارسی هم‌ریشه است. بنابراین «میتره» را می‌توان اسطوره یا افسانه‌ی روشنایی ترجمه کرد که نزدیکی فراوان به معنای نام خدای مصری دارد.

«مهر» با خورشید ارتباط ندارد، بلکه رابطه‌ی بین زمین با خورشید در واقع عهد و پیمان محسوب می‌شود، ولی بعدها آن را با خورشید یکی گرفته‌اند. در واقع مهر یا میتره نیز در آغاز مانند رع خدای خورشید بوده است. در مورد رع گفتیم که بعدتر جای خود را به آتون [=خدای خورشید] داد. مهر نیز در ادامه، نزد پارتی‌ها و سغدی‌ها به عنوان خورشید برکشیده شد. (Sundermann, ۱۹۷۹: Werner)

### اهوره

اهوره مزدا از دو جزء «اهوره» و «مَزدا» (مزدا) ترکیب یافته است. جزء نخست همان است که در سنسکریت «اَسُوْرَه» گویند. اهوره در اوستا به معنی بزرگ و سرور، به عنوان صفتی برای ایزدان مهر و اپامنیات هم به کار رفته است. (دوستخواه، ۱۳۸۹: ۹۳۶). «اهوره» از دو جزء تشکیل شده، بخش اول «اهو» است.

اهو (=جان) در پهلوی آن را آخو (axw) گویند. (دوستخواه، ۱۳۸۹: ۹۳۵). بخش دوم نیز مانند بخش دوم «میتره» به معنای روشنایی است و از همان ریشه است. هرگاه این ریشه‌شناسی پذیرفته شود، معنای اهورا با «روشنایی جان‌بخش» برابر خواهد بود.

### نتیجه‌گیری

براین اساس، نگارنده، نام خدای مصری: «رع» را که به لحاظ معنایی نیز با «ره» که جزء دوم واژه‌های «اهوره» و «میتره» باشد، نزدیک و حتی یکسان می‌داند اما در اینکه این واژه از فرهنگ ایرانی

## پیوند میان نام خدای مصری: «رع» با بخش دوم نام‌های «اهوره» و «میتره»

### نویسنده: یزدان صفایی

دین و ایزدان، معمولاً در گستره‌ای پهناور پراکنده می‌شوند. گاه میان نام ایزدان مردمانی بس متفاوت و دور از هم، نزدیکی و یکسانی دیده می‌شود. این نوشتار درباره‌ی چرایی این موضوع گفتگو نخواهد کرد بلکه نمونه‌ای از این نزدیکی نام سه ایزد را که دو تای آنها ایرانی، و دیگری مصری است، بررسی خواهد کرد.  
موضوع نوشتار درباره‌ی فرضیه‌ای یکسانی بخش دوم واژه‌های «اهوره» و «میتره» با نام خدای باستانی مصری «رع» و یا «را» خواهد بود. بدین منظور در سه بخش به بررسی ریشه‌شناختی هر سه واژه خواهیم پرداخت.

### رع

مهم‌ترین خدا در دوره‌ی سلطنت قدیم مصر خداوند خورشید با سر باز به نام «رع» بود. مصری‌ها معتقد بودند که او هر روز در شرق متولد می‌شود، در طی روز در آسمان سیر می‌کند و مثل پیرمردان هر شب در مغرب می‌میرد. طی شب، او در زیر زمین، منطقه‌ای که مرده‌ها در آنجای گرفته‌اند، سفر می‌کرد تا دوباره به شرق برسد. (اسمیت، ۱۳۸۰: رویه ۲۷-۲۸) ارتباط او با خورشید از سندی مصری معلوم می‌شود:

«بر فراز گنبد آسمان برمی‌آید، تا هر روز به خورشید زندگی بدهد.» (Paul William Roberts: ۱۹۹۳)

با گذشت زمان، با افزایش پرستش خدای خورشید، تعداد و قدرت کاهنان خداوند رع افزایش یافت. (اسمیت، ۱۳۸۰: رویه ۶۵)  
افزایش قدرت رع، تا جایی ادامه داشت که فرعون‌ها برای به دست آوردن مشروعیت بیشتر، خود را به هر نحوی به او مرتبط کنند. در سندی مصری در این باره می‌خوانیم:

«چیست که تو ندانی؟ کیست که از تو خردمندتر باشد؟ کجاست که تو ندیده باشی؟... اگر تو به آب بگویی «بر فراز کوه‌ها بالا برو»، نهر مطابق فرمان تو جریان می‌یابد، چرا که تو «رع» هستی... توانایی و اقتدار در دهان تو و درک و دریافت در قلب توست، کلام تو کلام مات [=Maat] (خداوند حقیقت) است و خداوند روی لب‌های تو نشسته است... برای تو ابدیت تقدیر شده است. همه چیز مطابق خواست تو انجام می‌شود و هر آن‌چه بگویی، مطاع است» (Ceroge Stendorff and Keith C. Seele: ۱۹۴۷)

در دوران سلطنت جدید، آمحتوپ به این باور رسید که خداوند برتر آتون Aten است که خود خورشید است نه خدای خورشید، رع. (اسمیت، ۱۳۸۰: رویه ۹۷) نگارنده احتمال می‌دهد که «خداوند خورشید» بودن «رع» به خاطر معنای نام این خدا باشد. احتمالاً می‌بایست نام این خدا را به «روشنایی» ترجمه کنیم. در واقع «روشنایی» یا «رع=را» خود خورشید نیست بلکه خدای خورشید است. هرودوت به معروف بودن کاهنان هلیوپولیس اشاره کرده است. (هرودوت، کتاب دوم، بند ۳) هلیوپولیس که در لغت، به معنی «شهر

به مصری رفته است و یا از فرهنگ مصری به ایرانی، داوری نمی‌کند  
چرا که در این باره، شواهد و مدارکی وجود ندارد.

### کتاب‌نامه

- برندا اسمیت، ۱۳۸۰. مصر باستان، ترجمه‌ی آزیتا یاسائی. تهران: ققنوس.
- دوستخواه، جلیل. ۱۳۸۹. اوستا کهن‌ترین سروده‌ها و متن‌های ایرانی. تهران: مروارید.
- هرودوت، ۱۳۸۳. تاریخ هرودوت، جلد دوم. ترجمه‌ی هادی هدایتی تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مترجم گوگل
- B. C., quoted in ۲۳۰۰. The Pyramid Texts, ca Paul William Roberts. River in the Desert: Modern Travels in Ancient Egypt. New York. Random House. ۱۹۹۳.
- Ceroge Stiendorff and Keith C. Seele. When Egypt Ruled the East. Chicago: University of Chicago Press. ۱۹۵۷.
- Bianchi. Ugo. (۱۹۷۹) Sundermann. Werner ed.. The Five Sons of the Manichaean God Mithra. Leiden: Brill

## برابرهایی پارسی

کاری از الف. نیکویی

اراضی: زمینها، خاکها  
اراضی موات: زمینهای مرده، زمینهای افتاده، آگشت  
ارامنه: ارمنی‌ها  
ارایک: تفتها، اورنگها  
ارباب: دارنده، خدایگان، زمیندار، فاوند  
ارباب رجوع: پیگیران، دنبال‌گیران  
ارباب زاده: فاوندزاده  
ازباب رهیت: روستا فاوند  
ارباب وفخا: مهرپایندگان  
اربعین: پهلیم، چله، پهل  
ارتباط: پیوند، وابستگی، همبستگی  
ارتباط دینامیک: پیوستگی پویا  
ارتپدی: شکسته بندی، اسوپزشگی  
ارتباء: آرزو، امید  
ارتباع: واپس‌گرایی، کهنه پرستی، پس رفتن  
(قابل ارتباع): فم‌پذیر  
ارتفال: درگذشت، مرگ، مردن  
ارتداد: دینگشت، برگشتن از کیش، برگردیدن از آیین  
ارتزاق: گذران، روزی خوردن یا ستاندن  
ارتشاء: پاره‌گرفتن، بدگندگیری

## نقش سدها در توسعه گردشگری

نویسنده: آرش نورآقایی

این که شاهد هستیم در برخی از سدها هتل و رستوران ساخته می‌شود، خود نمونه بارز اهمیت زیرساخت‌ها در این گونه سایت‌های نوظهور گردشگری است.

هم اکنون بسته‌های سفر مربوط به گردشگری در سدها با انواع خدمات در برخی از کشورها به فروش می‌رسد و برای جذب گردشگر به سمت آن‌ها تبلیغات وسیعی انجام می‌گیرد.

### قبل از شروع:

این گونه گردشگری در رابطه با گردشگری ماجراجویانه هم هست؛ سوار شدن بر انواع قایق‌ها در رودخانه و دست و پنجه نرم کردن با امواج آب، شنا در بخشی از رودخانه، شیرجه زدن از بلندی به داخل رودخانه، ماهیگیری و ... از این نوع است.

کمپینگ در کنار رودخانه، دویدن و دوچرخه سواری و سواری در ساحل، کایاک سواری بر روی امواج و اسکی روی آب، چیزهایی نیستند که علاقمندان بتوانند به راحتی از آن چشم‌پوشی کنند.

استفاده از امکانات طبیعی آب و باد و خورشید به همراه ساخت جاذبه‌های انسان-ساخت هر روز در سدها بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد و کارشناسان برای رونق گردشگری، نیازهای جدید و هیجانانگیز تازه می‌آفرینند.

فکر کنید در کنار رودخانه‌ای که به سد منتهی می‌شود، نشسته‌اید و با دوربین چشمی به حرکات آکروبات هنرمندان بر روی قایقی که بر روی امواج در حال حرکت است، می‌نگرید. مطمئن باشید که این لحظات برای شما فراموش نشدنی خواهد بود.

اجرای برنامه‌های سرگرم کننده در هر سایت گردشگری، به جذابیت‌های آن کمک می‌کند و باعث می‌شود که گردشگر خاطرات بهتری را از سفر خود به یاد بسپارد. دریاچه‌ها و در این حالت خاص دریاچه پشت سدها، گاهی اوقات مکان مناسبی برای اجرای برنامه‌ها و سرگرمی‌های هوایی است.

به بیان دیگر، مانور هواپیماها و چتربازان بر فراز دریاچه‌ها و در نزدیکی دید گردشگران، تجربه‌ای هیجان انگیز است. به طور مثال هر ساله تعدادی گردشگر در روز خاصی در کنار دریاچه شهر لوگانو در سوئیس دور هم جمع می‌شوند تا علاوه بر شرکت در فعالیت‌هایی که در ساحل دریاچه در جریان است به تماشای حرکات آکروباتیک هواپیماها و چتربازان بنشینند.

با اجرای این گونه از مراسم، می‌توان توجه گردشگران را در روزهای معین به مکان‌های خاص جلب کرد.

برنامه تفریحات شبانه هم در فهرست خدمات برگزار کنندگان تورها مورد توجه قرار می‌گیرد. معمولاً اجرای موسیقی زنده، تئاتر و بازی نور و آب جزو این برنامه‌های شبانه است.

بیشتر اوقات در نزدیکی سدها، انواع گیاهان و پرندگان و جانوران

در کشور ما طرفداران محیط زیست با ساخت سدها مخالف هستند، چراکه در سال‌های اخیر صدمات و زیان‌های سدها را بر روی طبیعت و همچنین آثار تاریخی شاهد بوده‌اند.

نگارنده در این نوشتار، ضمن ارزشمند دانستن دلواپسی این گروه از طرفداران محیط زیست، از زاویه گردشگری به سدها نگریده‌ام. در واقع بررسی اثرات زیست محیطی سدها مقوله دیگری است که هدف این نوشتار نیست

### آغاز:

با توجه به این موضوع که صنعت گردشگری روز به روز تخصصی‌تر و متنوع‌تر می‌شود، شاهد هستیم که امروزه حتی سدها نیز در فهرست جاذبه‌های گردشگری جای دارند و گردشگران بسیاری برای دیدار از آن‌ها علاقه نشان می‌دهند. و این گونه است که امروزه کارشناسان گردشگری برای بهره‌برداری از این جاذبه‌های انسان - ساخت برنامه‌ریزی انجام می‌دهند.

شاید به زودی همین واژه "گردشگری سد" یا چیزی شبیه به این، جزو یکی از موارد متعدد انواع گردشگری در تمام دنیا مطرح شود.

همچنین بعید نیست که به زودی و بر اساس نیاز گردشگران به سایت‌های جدیدتر، سدها در فهرست پربیننده‌ترین و جذاب‌ترین سایت‌های گردشگری قرار گیرند.

اگر سری به اینترنت بزنید، متوجه می‌شوید که سایت‌های اینترنتی بسیاری برای آشنایی و بهره‌برداری از گردشگری در سدها طراحی شده‌اند و در اختیار علاقمندان قرار دارند.

بد نیست بدانیم که بهره‌برداری از "گردشگری در سدها" آن قدر در دنیا اهمیت یافته که برای آن‌ها زیرساخت تعریف می‌شود و برایشان به طور اخص برنامه‌ریزی انجام می‌گیرد.

ساخت زیرساخت‌ها برای برگزاری ورزش‌های آبی و سفرهای رودخانه‌ای یکی از این موارد است.

دیده می‌شوند، گاهی شکل و شمایل خاصی از زمین‌شناسی در اطراف دیده می‌شود، یا حتی چشمه‌های آب گرم در آن اطراف وجود دارند. بنابراین در کنار سدها می‌توان از انواع گردشگری طبیعی هم بهره‌مند شد.

بسترهای رودخانه عموماً مکان‌های مناسبی برای کشاورزی و کاشت انواع گیاهان (خوراکی و طبی) است. در دنیای گردشگری حتی این ظرفیت هم نادیده گرفته نمی‌شود. در سد Mc Nary ایالت واشنگتن آمریکا علاوه بر معرفی تمامی جاذبه‌های گردشگری این سد، از جاذبه‌های کشاورزی با نام agricultural attractions هم نام برده شده است.

ایجاد دهکده‌های سلامت در نقاطی از دریاچه‌های پشت سد که به دور از هیاهو باشند، نیز می‌تواند یکی از اهداف قابل برنامه‌ریزی در گردشگری سد باشد.

در فیلیپین در کنار سد Bustos، فستیوال‌های محلی و مسابقات و بازی‌های مردمی برگزار می‌شود. همچنین محلی‌ها محصولات بومی و صنایع دستی‌اشان را در آنجا به فروش می‌رسانند.

گونه‌ای خاص از گردشگری سد، دیدار از سدهای تاریخی است. سدسازی یکی از فعالیت‌های ساختمانی است که پیدایی و تکامل آن، بنا به نیاز انسان‌ها و پیرو چگونگی‌های جغرافیایی و منطقه‌ای در طول تاریخ مطرح بوده است. این نیاز در اقلیم‌های مختلف، گاهی به صورت آبیاری و آب‌رسانی به مزارع و گاهی به صورت کنترل جریان آب و جلوگیری از طغیان رودخانه‌ها، نمود پیدا کرده است.

بگذارید به طور مثال نگاهی به سدهای تاریخی ایران داشته باشیم:

در روزگار هخامنشیان بر روی رودخانه "دیاله"، یکی از رودخانه‌هایی که به اروند می‌پیوسته، سدی برای آبیاری ساخته شد. هر چند بیشتر آثار سدهایی که در زمان هخامنشیان ساخته شد، اکنون از بین رفته‌اند، اما از جمله آن‌ها "بند ناصری" در ۴۸ کیلومتری شمال غربی تخت جمشید است. "بند فیض آباد" هم یکی از سه سد است که بر روی رود کر در زمان هخامنشیان بنا شده بود. در جنوب شهر شیراز هم "بند بهمن" از آثار دوره هخامنشی است.

در زمان ساسانیان، سد "شادروان" در شوشتر بنا شد که هنوز هم بقایای آن به چشم می‌خورد و در شاهنامه فردوسی هم به مهندس آن، "برانوش" اشاره شده است.

سد اهواز که نشانه‌هایش هنوز هم به چشم می‌خورد، سد قیر بر روی رودخانه کارون که از مهم‌ترین سدها بوده و سدی که توسط رومی‌ها در نزدیکی سد دز فعلی ساخته شده، همگی از آثار سدسازی در زمان ساسانیان هستند.

یکی از آثار تاریخی دوران ساسانیان، دژ باستانی ایزدخواست در راه اصفهان به شیراز است. در این محل باستانی قلعه، آتشگاه،

پل، کاروانسرا و سد ایزدخواست دیده می‌شوند. نکته قابل توجه این است که شاید بتوان سد ایزدخواست را قدیمی‌ترین بند قوسی جهان دانست. این بند برای جلوگیری از جریان سیل در منطقه ایزدخواست ساخته شده بود.

سدسازی در دوران اسلامی و در زمان آل بویه و ایلخانیان و صفویان هم ادامه یافت.

البته تعداد سدهای باستانی در ایران بسیار بیشتر از مواردی است که ما در این‌جا ذکر کرده‌ایم.

جالب این است که گاهی کشورهایی که سدهای تاریخی ندارند، اکنون سدهایشان را در لیست آثار تاریخی کشورشان به ثبت می‌رسانند. سدهایی را می‌شناسیم که بعد از ۵۰ سال از تاریخ ساختشان اکنون در لیست آثار ملی کشور مربوطه به ثبت رسیده‌اند.

در زیر نمونه‌های سدهای ساخته شده در دنیا و ایران را از نگاه گردشگری مورد توجه قرار می‌دهیم:

### سد Gaborone در آفریقای جنوبی:

این سد بر روی رودخانه Notwane ساخته شده و یکی از سدهای معروفی است که به یک سایت توریستی تبدیل شده است. تپه‌های بلند و زمین‌های جنگلی که اطراف این سد را احاطه کرده‌اند، وضعیت فوق‌العاده‌ای از لحاظ گردشگری را برای آن به ارمغان آورده‌اند.

معرفی پروژه‌ای به نام "آب‌نما" همراه با ساخت زمین‌های بازی، استخر شنا، اجرای موسیقی در فضای باز، دیدار از منظره آب از وسط سد، دیدار از حیات وحش، قایق سواری بر روی رودخانه در هنگامی که سطح آب بالاست و سرو انواع غذا در رستوران‌ها از جاذبه‌های ایجاد شده در این سد است که به جذب هر چه بیشتر گردشگران کمک می‌کند.

### سد Grand Dixence در سوئیس:

ارتفاع این سد ۲۸۵ متر است و بلندترین سد بتونی در دنیا به شمار می‌رود. دریاچه مصنوعی به طول ۵ کیلومتر که در پشت این سد به وجود آمده از جاذبه‌های آن به شمار می‌رود.

بازدیدکنندگان این سد می‌توانند در طول دریاچه قدم بزنند و از تماشای گل و گیاه در اطراف آن لذت ببرند. همچنین می‌توانند به داخل سد بروند و با یک تله‌کابین به بالاترین نقطه آن برسند.

### سد Moiry در سوئیس:

مدیران این سد با شعار "آیا تا به حال در یک سد هیدرو الکتریک بوده‌اید؟" گردشگران را به دیدار از این سد فرا می‌خوانند. این نوع از گردشگری در زمره گردشگری علمی جای می‌گیرد که طرفدارانی در

دنیا دارد.

همین موضوعات به علاوه بر معماری و مشخصات فنی سد، آن را در فهرست سدهای مورد توجه در حیطه گردشگری قرار داده است.

### سد Shamokin در پنسیلوانیای آمریکا:

در یک دره زیبا و بر روی رودخانه‌ای بنا شده است. در این سد انواع تفریحات و سرگرمی‌ها را برای گردشگران مهیا کرده‌اند.

### سد Navajo در نیومکزیکو:

این سد به عنوان یک مرکز علمی تفریحی برای گردشگران شناخته شده است. وجود سایت‌های تاریخی و طبیعی، گالری هنر، آب گرم، پارک و بازار از جاذبه‌های دیگر این سد هستند.

اقامت در هتل و متل، دیدار از پارک و باغ وحش و موزه و گالری و سایت‌های فرهنگی و تاریخی، خرید از بازار، تماشای تئاتر و فیلم و اجرای تورهای پیاده‌روی و تورهای ریلی از جمله جاذبه‌های این سد هستند.

### سد سه گلوگاهی در چین:

سد سه گلوگاهی با ارتفاع ۱۸۵ متر بر روی رودخانه یانگ‌تسه در مرکز کشور چین بنا شده است. این سد چنان سایت جذابی از لحاظ گردشگری به شمار می‌رود که چینی‌ها برای دیدار هفتگی ۱۰۰۰۰۰ گردشگر از آن برنامه‌ریزی کرده‌اند.

### سد Coulee در واشنگتن آمریکا:

احداث پارک، باغ، محلی برای اسکی، بازار و محل‌هایی برای سرگرمی و تفریح، این سد را به یک سایت گردشگری تبدیل کرده است.

### کشورهای دیگر:

علاوه بر سدهای فوق‌الذکر، در کشورهای هم‌چون هلند، هند و فیلیپین نیز اقدامات مشابهی برای بهره‌برداری گردشگری از سدها صورت گرفته است.

### سد و دریاچه Hartwell در آمریکا:

دریاچه این سد به سان یک استخر طبیعی فرصت‌های ورزش‌های آبی و همچنین ماهیگیری را برای آن به وجود آورده است. کمپینگ، شکار، دیدار از منظره آبشار سد و جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی و حتی نظامی از جذابیت‌های این سد به شمار می‌روند.

### سد Shasta در کالیفرنیا آمریکا:

در این سدها گردشگران می‌توانند در انواع هتل‌هایی که منظره زیبایی از رودخانه و سد و آب پشت سد را به نمایش درمی‌آورند، اقامت کنند، در رستوران‌ها غذا و نوشیدنی میل کنند، در پارک‌ها و موزه‌ها قدم بزنند، فضای معابد را در کنار غرش آب تجربه کنند، تعطیلات آخر هفته را با خانواده‌هایشان در کنار منظره‌ای از دریاچه و رودخانه بگذرانند و از زیبایی‌های طبیعی، سایت‌های تاریخی و تفریحات خانوادگی بهره ببرند، دیدار از حیات وحش را تجربه کنند، از بازارهای محلی بپاشدند در کنار سدها خرید کنند، به تماشای پرنده‌ها بنشینند و ...

این سد و دریاچه‌اش یک شهر توریستی را تشکیل داده‌اند. این شهر توریستی برای خود یک سایت اینترنتی دارد که در آن تور سد و خدمات جانبی‌اش معرفی شده‌اند.

در این سایت، اطلاعات مورد نیاز و همچنین عکس‌های بسیار زیبا از محیط اطراف سد و دریاچه ارائه شده است.

### گردشگری سد در ایران:

بیشتر سدها در کشورهایی که ذکر کردیم به عنوان مکانی برای پیک‌نیک خانواده‌ها مطرح هستند. چنان‌که حضور در کنار آب برای مردمان همه کشورها جذاب است، برای ایرانیان نیز از دیرباز، آسودن در کنار چشمه‌ها و رودها مورد توجه بوده و اوقات فراغت را در این محیط‌های باصفا گذرانده‌اند.

نقشه و راهنمای گردشگران، تقویم رویدادها (فستیوال‌ها، زمان ماهیگیری و ...)، امکانات گردشگری سد، انواع بازی‌ها و سرگرمی‌ها و ورزش‌های قابل اجرا در شهر Shasta از مواردی هستند که با رجوع به سایت اینترنتی می‌توانید به آن دست پیدا کنید.

### سد Hoover در مرز میان ایالت‌های آریزونا و نوادای ایالت

متحده:

در این میان، سدها هم گاهی به عنوان یک مکان گردشگری خانوادگی مطرح هستند.

ساخت این سد در سال ۱۹۳۱ آغاز و در سال ۱۹۳۵ به پایان رسید. موضوع جالب در مورد این سد این است که در سال ۱۹۸۱ جزو آثار تاریخی ملی به ثبت رسید.

به امکان گردشگری در سدهای معرفی شده در ذیل توجه نمایید:

سد کرخه: این سد در ایام نوروز برای بازدید عموم قابل استفاده است و خانواده‌های خوزستانی در این ایام از محیط طبیعی و دریاچه پشت سد که در حدود پنجاه کیلومتر است، استفاده می‌کنند. در

یکی از موارد جالب دیگر این است که وقت در ایالت آریزونا با وقت در ایالت نوادا ۱ ساعت با هم تفاوت دارند و این سد دقیقاً در مرز این دو زمان قرار گرفته است.

سال‌های اخیر تعداد بازدیدکنندگان از این سد در ایام نوروزی به حدود ۲۵۰۰۰ نفر هم رسیده است.

**سد کارون ۳:** این سد که در نزدیکی شهر ایذه بنا شده دارای منظره‌ای بدیع است. نزدیکی به آثار تاریخی و طبیعی و همچنین وجود جامعه بختیاری (عشایری و روستایی) در حوالی این سد، آن را به یکی از پرجاذبه‌ترین سایت‌های گردشگری تبدیل کرده است. هرچند که برای بهره‌برداری بهینه از این ظرفیت، برنامه‌ریزی خاصی انجام نشده است.

**سد کارون ۱:** نام دیگر آن، سد شهید عباسپور است. برای مردم محلی، دریاچه پشت سد به عنوان یک مکان تفریحی منحصر به فرد، قابل استفاده است. مردم سوار قایق می‌شوند و با گردش بر روی رود کارون به اطراف می‌روند. بسیاری از آن‌ها، ساعتی را در کنار مقبره امامزاده سلطان ابراهیم، که برایشان تقدس خاصی دارد، می‌گذرانند.

**سد دز:** از دیگر سایت‌های گردشگری در استان خوزستان است که شاید دیدار از تمام زیبایی‌ها و شگفتی‌های آن برای عموم مردم میسر نباشد.

**سدهای دیگر:** سد کرج (امیرکبیر)، سد سفیدرود و همچنین برخی از سدهای دیگر در اقصی نقاط کشور در زمره سایت‌های گردشگری قرار دارند که سامان‌دهی خاصی برایشان انجام نشده و فقط خود مردم به لحاظ علاقه‌ای که دارند از این مکان‌ها دیدار می‌کنند و روزهای تعطیلشان را در آن‌ها می‌گذرانند.

### جاذبه‌های سدها در ایران از لحاظ گردشگری:

به طور موردی به سدهای استان خوزستان اشاره می‌کنیم:

آشنایی با تکنولوژی ساخت و اطلاع از مشخصات فنی سدها، گونه‌ای از گردشگری علمی در این سدها را تداعی می‌کند، چراکه به غیر از کارشناسانی که در این سدها فعالیت می‌کنند، کمتر کسی با نحوه و نوع استفاده از سدها آگاهی دارد.

در نزدیکی این سدها، معمولا طبیعت بکر و دست نخورده است و همین موضوع به رونق گردشگری در سدها کمک می‌کند.

دیدار از پرنده‌های بومی و مهاجر در دریاچه‌ها و رودخانه‌ها، از انگیزه‌ها و جاذبه‌های گردشگری منطقه خوزستان در نزدیکی سدها به شمار می‌آید. پرواز عقاب‌ها در اوج آسمان و بر فراز سر گردشگران بسیار هیجان آور است.

قایق سواری بر روی رود کارون و گشت و گذار در روستاهای اطراف تجربه‌ای فراموش نشدنی است. حضور در چادر عشایر و آشنایی با آداب و رسوم آن‌ها لطف خاصی دارد که هر گردشگر طبیعت‌گردی آرزویش را دارد.

رودخانه‌ها و دریاچه پشت‌سدها، جایگاه مناسبی برای انجام

ورزش‌ها و فعالیت‌های آبی هستند.

و آخر سر این‌که وجود آثار تاریخی فراوان در منطقه، به جذابیت‌های گردشگری سدها می‌افزاید.

به طور کلی، سدهای استان خوزستان؛ کارون ۱، کارون ۳، کارون ۴، مسجد سلیمان، کرخه، دز و کوثر ویژگی‌های فراوانی برای توسعه گردشگری در این استان دارند. در واقع بستر طبیعی آماده است و تنها با سرمایه‌گذاری می‌توان به این مهم دست یافت.

با نگاه به اقدامات انجام شده در رابطه با توسعه گردشگری در سدها و در کشورهایی که به عنوان مثال مطرح شدند، متوجه می‌شویم که تقریبا تمام آن اقدامات را در ایران هم می‌توان انجام داد و برای این نوع از گردشگری، می‌توان برنامه‌ریزی کرد.

## نبردهای شاپور اول شاهنشاه ساسانی با روم

نوشتار: دکتر کاوه فرخ  
برگردان: حسام الدین شافعیان



باور عمومی بر این است که گوردیان سوم پس از چند موفقیت اولیه، در نبرد مقابل شاپور شکسته شد

اوراکولا (XIII, ۱۳-۲۰) و زوسیموس (III, ۳۲, ۴) به روشنی بیان می‌کنند که گوردیان در نبرد نهایی در برابر شاپور شکست خورده و کشته شد. این گزارش‌ها که عمدتاً هم نادیده گرفته می‌شوند با شواهد باستان‌شناسی در سنگ نگاری‌های بیشاپور در ایران انطباق می‌کند. در این سنگ نگاری‌ها گوردیان را می‌بینیم که در زیر پای اسب شاپور لگدمال شده است. جالب اینجاست که سدرنوس می‌نویسد «او [گوردیان] پس از سقوط از اسب خود کشته شد...» (I, p. ۴۵۰-۴۵۱, I, ۱۱-۱۲). نوشتاری در تایید پیروزی شاپور در سنگ نبشته‌های شاپور به چشم می‌خورد که در آن به روشنی اعلام می‌کند در می‌سیکه (الانبار امروزی) شمال تیسفون به گوردیان شکست سختی وارد آورد. سنگ نبشته شاپور در نقش رستم اعلام می‌کند «در» می‌سیکه «در آسورستان نبرد سختی در گرفت و «قیصر گوردیان» کشته شد و ما سپاه رومیان را نابود ساختیم».

### فیلیپ عرب

پس از شکست گوردیان در می‌سیکه فیلیپ عرب (۲۴۹-۲۴۴ م) امپراتور روم شد. اولین اقدام فیلیپ عرب پس از امپراتور شدن بستن پیمان صلح با شاپور بود که منابع رومی از آن به عنوان «ننگین‌ترین صلح» (Zosimus, III, ۳۲, ۴) یاد می‌کنند. مطابق سنگ نبشته کعبه زردشت فیلیپ ۵۰۰۰۰۰ دینار طلا به عنوان غرامت پرداخت تا بقایای ارتش شکست خورده گوردیان سوم را به سلامت از می‌سیکه به روم بازگرداند. رومیان همچنین از اینکه فیلیپ ارمنستان و می‌انرودان را به شاپور واگذار گرد ناخرسند بودند (Zonaras XII, ۱۹, p. ۵۸۳, ۱-۵). اقدام شاپور برای تغییر نام می‌سیکه به «پیروز شاپور»

ساسانیان (حکومت: ۶۵۱-۲۲۶ م) کشور خود را «سرزمین آریاییان» یا «یرانشهر» می‌خواندند و این امر به روشنی در خطوط یکم تا ششم متن پهلوی کتیبه شاپور یکم در کعبه زرتشت دیده می‌شود. شاپور یکم (حکومت: ۲۷۲-۲۴۱ م) تاج و تخت شاهنشاهی ساسانیان را از پدرش اردشیر بابکان (حکومت: ۲۴۱-۲۲۴ م) دریافت کرد. شاپور از همان اولین روزهای قیام اردشیر در پارس تا نبرد با الکساندر سوروس امپراتور رومی در کنار پدر شرکت داشت. شاپور قابلیت‌های جنگاوری خود را به خوبی اثبات کرد و خیلی زود دستاوردهای نظامی‌اش از پدرش نیز فراتر رفت. اولین اقدام نظامی شاپور به عنوان شاهنشاه تسخیر شهر هترا بود که تا کنون در برابر ارتش‌های نیرومند رومی‌ها و اردشیر ساسانی ایستادگی کرده بود. شهر دژ مانند نصیبین نیز در ۲۴۱ میلادی (یا شاید در دوران اردشیر در ۲۳۸ میلادی) فتح شد. استراتژی شاپور این بود که با اسواران خود به سرعت به سمت شهر رفته و شهر را محاصره کند. شکست دادن مدافعان سرسخت نصیبین کار ساده‌ای نبود ولی بالاخره بعد از اینکه ایرانیان شکافی در دیوار مستحکم شهر ایجاد کردند آن‌ها را وادار به تسلیم کردند. سقوط نصیبین به شاپور این امکان را داد تا به سوریه یورش برده و انطاکیه و حران (کرهه) را تصرف کند. (Zarrin, p. ۲۰۲, ۱۹۳)

### تلاش گوردیان سوم برای شکست شاپور اول

امپراتور جوان رومی گوردیان سوم (حکومت: ۲۴۴-۲۳۸ میلادی) به سرعت برای بازیابی موقعیت رومیان در خاورمیانه و نابودی شاپور وارد عمل شد. وی پس از برخی موفقیت‌های اولیه برای شکست نهایی شاپور از رود فرات گذشت. از این به بعد دو نسخه از ماقع در دست است.

نسخه اول آن است که منابع یونانی-رومی زیادی از جمله امیانوس مارسلینوس (XXIII, ۵, ۱۷)، فستوس (Brevarium, ۲۲, p. ۶۴, ۲-۷) و جوردینس (Historia Romana, ۲۸۲, p. ۳۶, ۲۷-۳۱) روایت می‌کنند گوردیان و شاپور در نبرد نهایی روبروی هم قرار گرفتند و گوردیان در آن پیروز شد ولی سپس به دست فرمانده گارد محافظان خود فیلیپ عرب کشته شد. این نسخه «رسمی» واقعه را تا کنون در غرب تدریس می‌کردند تا اینکه اخیراً پژوهش‌های باستان‌شناسی و ترجمه منابع بیشتری به انگلیسی نسخه دیگری از این وقایع به دست داد.

تنها به تحقیر شدن رومیان افزود.



این قرارداد تحقیر آمیز بسیار برای رومیان تلخ و غیر قابل تحمل بود. فیلیپ شرایط قرارداد خود با شاپور را زیر پا گذاشت و در زمان مناسب دوباره به ارمنستان و میانرودان لشکر کشید. فیلیپ حمله خود را درست در زمانی به اجرا درآورد که شاپور درگیر نبردهای خود در شمال و شمال شرقی ایران بود تا همپیمانی باقی مانده مادها، خوارزمیان، کوشانی ها، گیل ها و دیلمیان را به دست بیاورد. در هنگام این نبردها بود که شهر "نوشاپور" در خراسان در شمال شرقی ایران بنا شد.

آشکار است که این زمان بندی فیلیپ ساسانیان را غافلگیر کرد. اندکی بعد ساسانیان ضربات خود را وارد آوردند. شاپور که نبردهای

ظاهر احتمالی شاپور اول در نبردهایش برابر رومیان در قرن سوم میلادی. در قرن ششم میلادی یا پیش از آن شمشیر پهن از رده خارج شده و تنها در تشریفات به کار می رفت.

کل آسیا را تسخیر کنند (Zosimus, I, ۲۷. ۲)». اما به احتمال زیاد هدف شاپور تنها استحکام مواضع امپراتوری اش بود و نه تلاش برای تصرف زمین های رومیان و گسترش شاهنشاهی خود.

خود در شمال و شمال شرقی را با موفقیت پشت سر گذاشته بود با سپاه خود به غرب بازگشت. این در حالی بود که او حالا پیاده نظام برجسته دیلمیان را در کنار سواره نظام خود داشت.

### مورد دورا اروپو: «گازهای شیمیایی» یا استنشاق دود در فضای محدود تونل

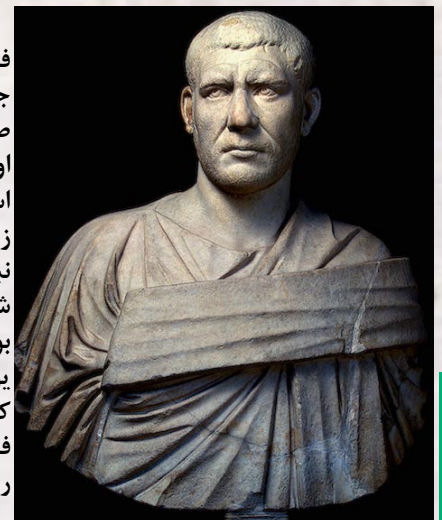
یکی از مناطقی که در یورش شاپور به انطاکیه در سال ۲۵۶ میلادی به دست ایرانیان افتاد شهر دورا اروپو بود (البته تاریخ دقیق



بقایای یک سرباز ساسانی در دورا اروپو (دانشگاه لستر)

کتیبه های شاپور می گویند: «... و قیصر دوباره دروغید، در ارمنستان گناه کرد و ما به شهر (=کشور) روم یورش کردیم و سپاه شصت هزار نفری رومیان را در «بیبالیش» -زدیم (نابود کردیم)». این شکست رومیان باعث به وجود آمدن شکافی عمیق در موقعیت رومیان در می انرودان شد که به سقوط دوباره انطاکیه به دست «ایرانیان تیرانداز» (Oracula Sibyllina XIII، ۸۹-۱۰۲) در ۲۵۶ میلادی فرجامید. در پیوند با این واقعه زوسیموس می نویسد: «ایرانیان اگر اینقدر غرق در جمع آوری غنایم نمی شدند می توانستند

امپراتور رومی، فیلیپ عرب برای جبران عقد «پیمان صلح ننگین» با شاپور اول تلاش کرد وقتی اسواران (سواره نظام زبده ساسانی) به خاطر نبردهایی در شمال و شرق کشور دور شده بودند به ایران ساسانی یورش برد. هنگامی که شاپور اول بازگشت فیلیپ و نیروهای رومی را در هم شکست

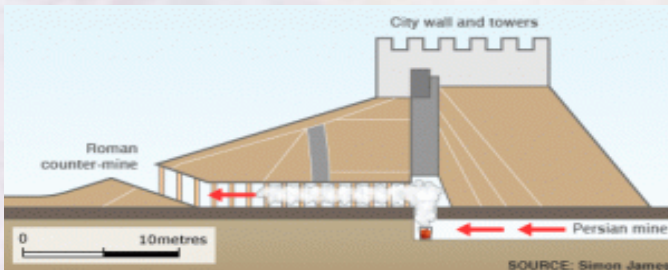


قلعه‌ها و شهرها بسیار موفق‌تر عمل می‌کردند و خیلی زود ثابت کردند در هنر محاصره و قلعه‌گیری با رومیان برابری می‌کنند. ساسانیان از فنون متنوعی در محاصره و قلعه‌گیری بهره می‌بردند و حتی برخی از فنون رومیان را به کار می‌بردند از جمله منجنیق و برج قلعه‌گیر. تیراندازی شدید از سوی پیاده نظام فنی بود که از زمان آشوریان به کار می‌رفت. یکی از با ارزش‌ترین یافته‌ها در دورا اروپو بقایای یک سرباز ساسانی است که اطلاعات ارزشمندی در رابطه با کلاه خود، زره و سایر ادوات پیاده نظام‌های ساسانیان در آن دوران در اختیار ما می‌گذارد.



روم با هم‌اورد خود روبرو می‌شود: نقش بیشاپور که شاپور یکم (سوار بر اسب) را در حالی نشان می‌دهد که امپراتور والرین (ایستاده در سمت چپ) را دستگیر کرده و فیلیپ عرب تقاضای شفاعت می‌کند (زانو زده). زیر سم اسب شاپور اول بدن لگد کوب شده گوردیان سوم به زحمت دیده می‌شود.

یک فن که هم رومیان و هم ساسانیان در آن تبحر داشتند نقب زنی و ضد نقب زنی بود. منظور از نقب زنی رخنه کردن به قلعه‌های دشمنان از طریق کندن زمین بود. مدافعان نیز معمولاً ضد نقب می‌زدند و با حفاری‌های خود مهاجمان را غافلگیر می‌کردند که این کشمکش اغلب با مبارزه‌های تن به تن در یک فضای باریک همراه بود.



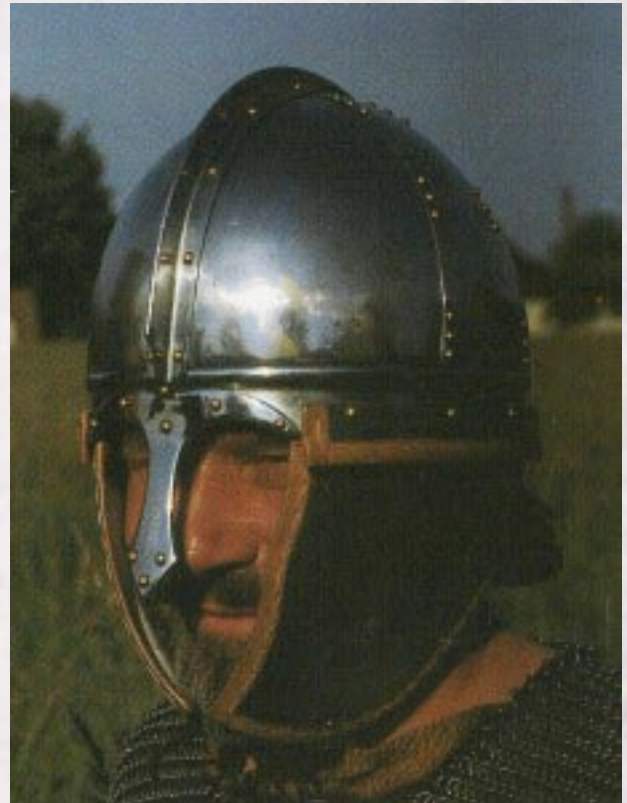
نقب زنی ساسانیان و ضد نقب زنی رومیان در عملیات دورا اروپو آن طور که پروفیسور جیمز شرح می‌دهد.

آن مورد توافق همه مورخین نیست). این منطقه‌ای است که بارها بین شاهنشاهی‌های اشکانی/ساسانی ایران و رومیان/بیزانسی‌ها دست به دست می‌شود. این منطقه از جهاتی جالب توجه است، از جمله جزئیاتی در رابطه با شوالیه‌های زره پوش اشکانی و همچنین نقش مردی در لباس ایرانی کشف شده است که احتمال می‌رود زردشت باشد.

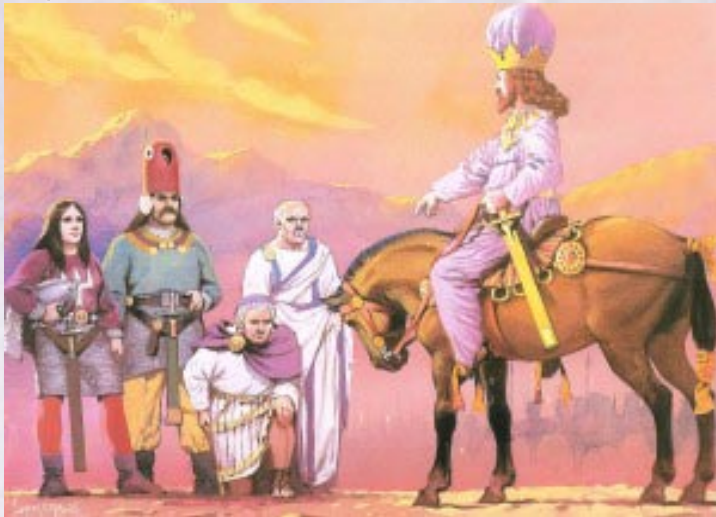
ساسانیان در مقایسه با پیشینیان اشکانی خود در محاصره کردن

اکنون پژوهش جدیدی در جریان است تا روشن کند در نقب زنی ساسانیان برای رخنه به دورا اروپو چه رخ داده است. پروفیسور سایمون جیمز از دانشگاه لستر که یکی از پیشروترین کارشناسان و باستان‌شناسان دورا اروپو است یافته‌های خود در مورد یکی از ابزارهای به کار رفته توسط ساسانیان را ارائه کرد. وی معتقد است که این سربازان رومی نه با شمشیر و نیزه بلکه بر اثر تنفس یک گاز سمی کشته شده‌اند چون هیچ نشانی از زخم‌های مرگبار در این اجساد پیدا نشده است.

به نوشته روزنامه دیلی میل تفسیر سایمون جیمز از این واقعه که اواسط قرن سوم میلادی روی داده این است که: «سپاه ساسانی با حفر تونل قصد داشت دفاع این شهرک نظامی روم را در هم بشکند. در مقابل گروهی از سربازان رومی نیز با حفر تونل دیگری قصد داشتند به سپاه دشمن شبیخون بزنند. در یک مقطعی آنها با یکدیگر روبه‌رو شده و سربازان ساسانی با شعله‌ور ساختن فضای داخل تونل به رومی‌ها حمله کردند.» روزنامه دیلی میل از قول سایمون جیمز می‌نویسد: "سپاه ساسانیان از روش‌های مختلف و زیرکانه‌ای برای در هم شکستن دفاع شهرها استفاده می‌کرد و از جمله در شعله‌افکنی مهارت فراوان داشت. از قرار طی این نبرد سپاه ساسانی برای جلوگیری از پیشروی رومی‌ها در تونل، دامنه آتش را با ترکیب شیمیایی سولفور و بیتمون گسترش می‌دهد که باعث تولید گاز سمی و خطرناکی می‌شود. سربازان رومی داخل تونل به فاصله کوتاهی بی‌هوش شده و سپس بر اثر مسمومیت شیمیایی کشته می‌شوند."

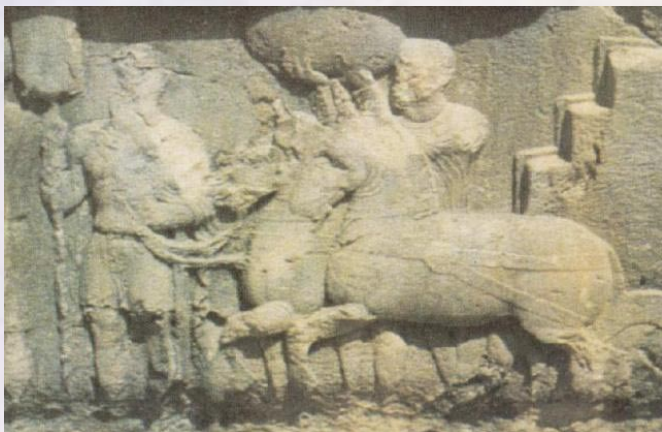


بازسازی یک کلاه خود رومی بر پایه طراحی‌های ساسانیان (Peterson, 1992). پس از شکست‌های رومیان در برابر ساسانیان آن‌ها برخی جنبه‌های تکنولوژی ساسانیان را اخذ کردند



امپراتور والرین و سناتور رومی خود را به شاپور اول (سوار بر اسب) تسلیم می‌کنند. افسران سواره نظام ساسانی آن‌ها را مشایعت می‌کنند (کتاب اسوارن ساسانی).

قیصر به پذیره ما آمد و با او بود از سرزمین ژرمانیا، از سرزمین ریشیا، از سرزمین نیرکوس، از سرزمین داکیا، از سرزمین پندانیا، از سرزمین میسیا، از سرزمین آستاریا، از سرزمین اسپانیا، از سرزمین افریقا، از سرزمین تراکیا، از سرزمین بوتنیا، از سرزمین آسیا، از سرزمین پامپیا، از سرزمین آسوریا، از سرزمین لوکونیا، از سرزمین گلاتینا، از سرزمین لوکیا، از سرزمین کیلیکیه، از سرزمین کاپادوکیه، از سرزمین فریگیا، از سرزمین سوریه، از سرزمین فنیقیه، از سرزمین یهودیا، از سرزمین اریابا، از سرزمین مورن، از سرزمین ژرمانیا، از سرزمین روتاس، از سرزمین اسنیوس و از سرزمین میانرودان، سپاهی هفتاد هزار نفر و در آن سوی حران و الرها حمله بزرگی بر والرینوس قیصر بود (=شد). " ضربه ای که شاپور بر ارتش روم وارد کرد حقیقتاً کمر شکن بود. یک سوم ارتش حرفه ای روم (از جمله افسران) که حدود ۱۵۰۰۰۰ نفر می شدند به سادگی نابود شدند (برای دیدن محاسبات کتاب "اسوارن ساسانی" تالیف دکتر کاوه فرخ و برگردان یوسف امیری را ببینید).



سنگ برجسته بیشاپور: ارابه تشریفات والرین که به دست ارتش ساسانیان افتاد

به نوشته دیلی میل: «سربازان ساسانی از طریق حفر تونل نتوانستند دفاع شهر دورائورپوس را در هم بشکنند ولی شواهد تاریخی نشان می دهد که به هر شکل آنها در نهایت شهر را تصرف کرده و پس از نابودی رومی ها و آواره کردن ساکنانش این شهر برای همیشه فراموش شد.» به گفته سایمون جمیز هر چند اسنادی وجود دارد حاکی از به کارگیری دود و گازهای سمی در تونل ها توسط سربازان یونانی علیه رومیان است اما این مورد مربوط به سپاه ساسانی تا کنون قدیمی ترین نمونه از به کارگیری مواد شیمیایی در جنگ است.

دیدگاه قابل توجه دیگر از سوی دکتر مازیار اشرفیان بناب در خبرگزاری ها انعکاس یافت. " دکتر مازیار اشرفیان بناب که استاد انسان شناسی زیستی و ژنتیکی در دانشگاه پرسموت بریتانیا است در گفتگو با بی بی سی ادعای مطرح شده در گزارش آقای سایمور را رد کرد و بر نا کار آمدی گاز مورد اشاره در این گزارش در کشتن انسان ها تاکید کرد. آقای اشرفیان بناب گفت اجساد این کشته شده ها احتمالاً از سوی خود رومیان در پی درگیری با سربازان ایرانی و برای بستن راه نفوذ آنان در تونل حفر شده به کار گرفته شده است. بنا به گفته آقای اشرفیان بناب قرینه این امر آن است که سربازان شاپور اول از طریق تونل دیگری که به اندازه عبور همزمان چهار سرباز ساسانی وسعت داشته است موفق به نفوذ در شهر و فتح آن شده اند"

محاصره دورا اروپو یک موضوع مطالعاتی است که برای دهه ها مورد بحث قرار خواهد گرفت. عده کمی از دانشمندان بر این باور خواهند بود که موفقیت شاپور یکم به یمن استفاده از "سلاح های شیمیایی" بوده است. در حقیقت علت اصلی شکست رومیان اسواران ساسانی بود که سواره نظام های زنده ای بودند که تعدادی از بدترین شکست ها را برای روم رقم زدند.

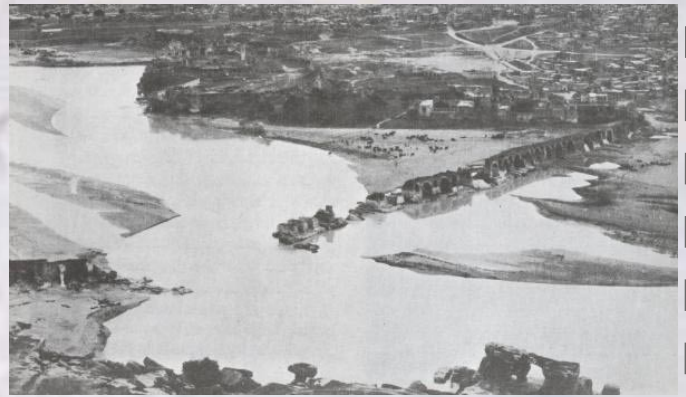
نبرد نهایی با امپراتور والرین

امپراتور والرین (حکومت: ۲۶۰-۲۵۳ م) در ۲۵۳ میلادی به تخت نشست و خیلی زود برای سومین بار ارتش رومیان را سازماندهی کرد تا شکستشان در برابر ساسانیان را جبران کنند. رومی ها می خواستند شاپور، ارتش ساسانیان و مردم ایران را از بین ببرند.

والرین به سرعت در ۲۵۶ میلادی انطاکیه را از سربازان ساسانی خالی کرد و برای جشن گرفتن این پیروزی اولیه خود سکه های "پیروزی" ضرب کرد. خیلی زود ثابت شد که این جشن خیلی زود هنگام و نا بجا بود چرا که والرین تنها با سربازان درجه دوم پادگان ساسانیان مقابله کرده بود. او هنوز باید با سوارکاران زنده شاپور روبرو می شد. شاپور در حقیقت سواره نظام و ارتش اصلی خویش را حفظ کرده بود. او سپس در کرهه (حران) و ادسا مستقر شد. والرین بدون این که جانب احتیاط را رعایت کند نیروی پیاده نظام خود را نزدیک ادسا-حران مستقر کرد که یک منطقه مسطح و ایده آل برای عملیات سواره نظام بود. این همان منطقه ای بود که بیش از دویست سال پیش سربازان کراسوس به دست سواره نظام اشکانیان نابود شده بودند.

در واقع تاریخ خود را تکرار کرد: اسواران با شدت تمام رومیان را در هم شکستند (Festus, Brevarium, ۲۳, p. ۶۴, ۸-۱۳) و هفتاد هزار سرباز از جمله سناتورها و افسران گارد محافظ امپراتور در سال ۲۶۰ میلادی به اسارت گرفته شدند. شاپور در سنگ نبشته خود خبر از طیف وسیعی از زندانیان اروپایی می دهد از جمله: " والرینوس

این خود نشان از مهارت‌های مهندسی رومیان دارد.



بازمانده پل بند که به دست اسیران جنگی رومی ساخته شد.

اثر موزاییکی هنرمندان رومی در بیشاپور که زنان و مردان نجیب زاده ساسانی را به تصویر می کشد هنوز هم پابرجاست و به شکل تقریباً دست نخورده در موزه لوور پاریس نگهداری می شود.

منابع غربی از سرنوشت دردناک و ناراحت کننده والرین به دست



والرین تنها امپراتور رومی که اسیر شد.

ایرانیان خبر می دهند. بنا به گزارش رومی ها شاپور از او به عنوان چهارپایه برای سوار شدن بر اسبش استفاده کرد. گفته می شود پس از مرگ والرین بدنش را پر کردند و در معبد زردشتیان قرار دادند.

گزارش منابع تاریخی ایرانی اما با گزارش رومیان در مورد سرنوشت والرین تطبیق نمی کند. شاهنامه از والرین به نیکی یاد می کند و گزارش می کند پس از شکست شاپور با وی به احترام برخورد کرد. شوالیه های ساسانی (اسواران) به زودی شهرت ترس آوری در میان رومی ها یافتند به طوری که لیبیانوس در رابطه با اسواران می نویسد: "رومیان حاضرند هر قضا و قدری را بپذیرند اما با اسواران

بیشترین ضربه روانی برای رومی ها اسیر شدن خود امپراتور والرین و ارابه تشریفات وی بود که این موضوع در سنگ برجسته های شاپور در کعبه زردشت، نقش رستم و بیشاپور جشن گرفته شده است «والریانوس قیصر را، خودم، با دست های خویش دستگیر کردم و سایر حاکمان، سناتوران، و فرماندهانی که در سر (=رأس) آن سپاه بود، همه را دستگیر کردم و به پارس هدایت کردم». در تاریخ روم او تنها امپراتوری است که به اسارت گرفته شد. «شکست و اسارت والرین از جمله تحقیرآمیزترین شکست های نظامی تاریخ روم است (Ferrill, ۱۹۸۸, p ۳۸)».

در میان زندانیان رومی تعداد بسیار زیادی مهندس بودند که به کار ساخت سدها و پل ها در خوزستان امروزی گماشته شدند و بقایای برخی از آثار آن ها نظیر پل بند شوش تر حتی تا امروز هم وجود دارد و



زن نجیب زاده ایرانی که صنعتگران رومی اسیر شده به دست شاپور به تصویر کشیده اند.

ساسانی روبرو نشوند."

مطالعه بیشتر

- The History of (۲۰۰۹). Banchich, T., & Lane, U  
Zonaras: From Alexander Severus to the Death  
of Theodosius the Great. London & New York:  
Routledge
- Georgius Cedrenus Ioannis (۱۸۳۹). Bekker, I  
Scylitzae Ope. Bonn: Impensis Ed. Webberi  
The (۱۹۹۱). Dodgeon, M.H. & Lieu, S.M.C  
Roman Eastern Frontier and the Persian Wars (AD  
London & New York: Routledge (۳۶۳-۲۲۶  
The Breviarium of Festus. (۱۹۶۷). Eadie, J.W  
London: Althone Press
- Elite Sassanian Cavalry. (۲۰۰۵). Farrokh, K  
Oxford: Osprey Publishing
- Shadows in the Desert. (۲۰۰۸). Farrokh, K  
Ancient Persia at War. Oxford: Osprey Publishing
- The Fall of the Roman Empire: (۱۹۸۸). Ferrill, A  
The Military Explanation. London: Thames &  
Hudson
- Libianus. Leipzig: (۱۹۲۷-۱۹۰۹). Foerster, R  
Hinrichs'sche Buchhandlung
- The History of Ancient (۱۹۸۴). Frye, R.N  
Iran. Munich, Germany: C.H. Becksche  
Verlagsbuchhandlung
- Jordanes: Historia Romana. (۱۸۸۲). Mommsen, T  
Berlin: MGH
- The Roman Legions (۱۹۹۲). Peterson, D  
recreated in Colour Photographs. London:  
Windrow & Greene Ltd
- Corpus Scriptorum (۱۸۳۷). Reitemeier, J.F  
Historiae Zosimus. Bonn: Impensis Ed. Webberi
- Ammianus Marcellinus (۱۹۳۹-۱۹۳۵). Rolfe, J.C  
(Three Voluimes). London: W. Heinemann
- Die Oracula Sibyllina. New (۱۹۷۹). Thompson, G  
York: Arno Press
- Ruzgaran:tarikh-i Iran az (۲۰۰۲). Zarrin'kub, A. h  
aghz ta saqut saltnat Pahlvi. Tehran: Sukhan